



آموزش مجازی حج
مدیریت اهل سنت

درسنامه

احکام مبتلایان به شوافع

استاد: سید مصطفی خاتمی

تهیه شده در بخش آموزش

مدیریت اهل سنت بعثه مقام معظم رهبری

فهرست

۴.....	دیباچه
۶.....	مقدمه
۹.....	جلسه اول
۹.....	طهارت
۲۲.....	جلسه دوم
۲۲.....	نماز
۳۱.....	جلسه سوم
۳۱.....	حرمت طلا و ابریشم
۳۲.....	جلسه چهارم
۳۲.....	نیاز های مرده
۳۴.....	جلسه پنجم
۳۴.....	زکات
۳۹.....	جلسه ششم
۳۹.....	روزه
۴۲.....	جلسه هفتم
۴۲.....	حج
۶۲.....	جلسه هشتم
۶۲.....	قربانی
۶۵.....	جلسه نهم
۶۵.....	ذبح



- جلسه دهم ۶۷
- اعتکاف ۶۷
- جلسه یازدهم ۶۹
- قسم و نذر ۶۹
- جلسه دوازدهم ۷۱
- امر به معروف و نهی از منکر ۷۱
- جلسه سیزدهم ۷۹
- آداب مسجد ۷۹
- جلسه چهاردهم ۸۲
- آداب تلاوت قرآن مجید ۸۲
- جلسه پانزدهم ۸۴
- آداب غذا خوردن ۸۴
- جلسه شانزدهم ۸۸
- آداب بعد از طعام ۸۸
- جلسه هفدهم ۸۹
- آداب نوشید آب زمزم ۸۹
- نکته ی مهم (ویژه خواهران) ۹۰
- چند نکته لازم برای زائران خانه خدا ۹۱



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دیباچه

فواید سیاسی و اجتماعی و تاریخی حج چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد حج رونده باید سالک الی الله باشد. یعنی از منازل شهوات و مشتتهیات نفسانی و لذات جسمانی عبور کند و از لباس صفات بشری خود را منخلع سازد و تعینات خودی را کنار بگذارد و اگر ترک علایق نکند نتواند به حرم امن در آید و مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا اگر معنی و مفهوم واقعی حج بخوبی درک شود معنای اسلام درک شده است بی جهت نبود که امام علی (ع) در آخرین ساعات عمر در وصیت خویش فرمود: {اللَّهُ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ لَا تُخْلَوْهُ مَا بَقِيتُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تَرَكَ لَمْ تُنَاطِرُوا} شما را بخدا قسم تا زنده اید و جان در تن دارید از خانه خدا دست نکشید و آن خانه را از حج گذاران خالی نگذارید که اگر زیارت خانه خدا ترک شد موجودیت شما بخطر خواهد افتاد کعبه یک مجمع دینی است برای ایجاد وحدت در این مرکز بزرگ باید اختلافات حل شود و این مرکز باید مرجع رفع اختلافات باشد این مجمع دینی که خدا برای آن احترام خاصی قائل شده {جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْيَبُتِ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ} به شخص خاصی تعلق ندارد از آن دولت مخصوصی نیست کسی جز خدا مالک آن نمی باشد و متعلق به همه مردم است {جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ} همه مردم در آن خانه حق دارند و هیچ کس حق ندارد که دیگری را مانع شود زیرا این خانه مثابه للناس و آمننا مسلمان ها باید از این مجمع سالانه که فرصت بسیار مناسبی است برای ایجاد روابط دوستی و برادری حداکثر استفاده را ببرند و اهداف مشترک توجیه شود و معارف مبادله گردد و روابط مختلف فرهنگی و تجاری ایجاد شود در این راستا زعیم عالی قدر انقلاب اسلامی و مشعل دار پرچم توحید و اتحاد در قرن حاضر فرمودند: در حج باید تا سر حد توان و امکان پیوند برادری با مسلمین دیگر کشورها استحکام یابد. بر اساس آیات و روایات، حج درس برادری و برابری به انسان ها می آموزد. خداوند فواید و منافع آن را در شکل مجموعه ای بی شمار نشان داده و فرموده است: {لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ} برخی از این منافع فردی و بعضی





اجتماعی است و دنیا و آخرت انسان ها را در بر می گیرد مجموعه این منافع در رشد و تعالی و بالندگی جامعه مسلمین نقش مهمی ایفا می کند بطور اختصار به چند نمونه از این منافع اشاره می کنم.

۱- انسان بصورت فطری، اجتماعی است و تجمع و تعاون به سود او است. زندگی جمعی در نهاد همه انسان ها ریشه دارد و از اصیل ترین گرایش های طبیعی او بشمار می رود. اسلام که کامل ترین دین توحیدی است به این نیاز فطری انسان ها پاسخ مثبت داده و زمینه های تجمع و تشکل مسلمین را به شکل های گوناگون فراهم کرده است نمازهای جماعت در شبانه روز، نماز جمعه در هر هفته، مناسبت های عبادی و سیاسی و انقلابی در طول سال از مظاهر و نمودهای آن می باشد و بالاخره کنگره عظیم حج که سرآمد همه شعائر و در هر سال قدرت و وحدت مسلمانان را به نمایش می گذارد.

۲- تجمع و تعاون به سود انسان هاست و در رشد و تعالی مادی و معنوی آنان نقش بسزایی دارد و تفرقه و جدایی به زیان آنان و موجب رکود و جمود آنان می باشد آیه شریفه *وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا* به این مطلب اشاره دارد که با اعتصام به حبل الله که ریسمان محکم و ناگسستنی است حالت تفرق را به تجمع تبدیل کنید و پشتیبان یکدیگر باشید و این موضوع در حج بخوبی تحقق می یابد.

۳- هنگامی که مسلمانان بر اساس احکام اسلام برای انجام فریضه حج همگی با یک لباس ساده، کم بها و یک رنگ ظاهر می شوند و همه نژادها و اقشار ثروتمند و کم ثروت در یک سطح قرار می گیرند این برابری مصداق عینی پیدا می کند و به اوج خود می رسد و با تکرار *لبيك اللهم لبيك* همه بت های زمانه را نفی می کنند.

بی تردید این آیین با شکوه نیاز مبرم به یادگیری احکام شرعی دارد و بدون یاد دادن و یاد گرفتن بخشی از احکام فقه نمی توان از فوائد حج بهره کافی برد لذا جا دارد زائرین خانه خدا قبل از عزیمت شناخت کافی از قسمت طهارات، نماز، روزه، معاملات، امر به معروف و نهی از منکر، احکام مساجد و تلاوت قرآن، نذر و قسم، قربانی و آداب سنن زندگی را داشته باشند.

تهیه و تنظیم این مجموعه همین هدف را دنبال می کند مطمئنا این کار را بی عیب و نقص نمی دانم پیشنهاد و راهکارها و نظرات اصلاحی از سوی بزرگواران در رسیدن به هدف مورد امتنان است. همچنین بر خود لازم می بینم از پیگیری های مجدانه معاونت پژوهش مدیریت اهل سنت بعثه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) بویژه از اشراف علمی استاد گران سنگ جناب آقای افضل، که در تهیه سرفصل ها تلاش وافر نمودن تشکر و قدردانی نمایم.

{ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا }

اشنویه: سید مصطفی خاتمی





مقدمه

{فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ}

امت اسلامی در عصرهای نخستین خود در همه جنبه های زندگی از پرتو این نور بهره می جست و از این رهگذر به سمت سربلندی و پیشوایی دست یافت پرچم پر درخشش خود را بر جای جای گیتی بر افراشت و کره زمین را از صلح و آرامش، عدل و داد آکنده ساخت ولی متاسفانه پس از چندی بر اثر عوامل گوناگون داخلی و خارجی پرتو نور ربانی و رهنمود محمدی (ص) در دل ها کم فروغ شد و سستی در جان این امت رخنه کرد و بیماری در همه جنبه ها و عرصه های زندگی در پیکر آن آشیانه ساخت چشمه جوشان اجتهاد و فقاقت از حرکت افتاد و بسیاری از رجال علم و دانش از این فروغ هدایت باز ماندند خواسته های نا مشروع دنیوی اندیشه آدمی را مرکب هوار خود ساخت باد موافق به طرف کشتی کسانی که بی بهره از هدایت الهی بودند وزیدن گرفت در همان زمان دین مجموعه ای از گفتار و رفتار شد که نه با دل پیوندی داشت و نه با تهذیب نفس ارتباطی در حوزه تفکر اسلامی دو آفت خانمانسوز وجود داشته و دارد یکی تاویل و التقاط و دیگری جمود و تحجر وجه مشترک این دو آفت این است که هر دو از وحی الهی به نفع برداشت های محدود و اهواء بشری اظهار نظر می کنند یکی چنان میدان را باز می کند که مرزهای احکام ارزش های الهی را می شکند و حرام های خدا را حلال می کند و دیگری به تناسب بینش محدودی که دارد چندان عرصه را تنگ می گیرد که بسیاری از حلال خدا را حرام می نماید و نتیجه هر دو تضعیف دین خداست. امروزه جهان اسلام بیش از هر زمان دیگر یک نیاز مند نهضت تشریعی است که با یک دید نو و وسیع و همه جانبه از عمق تعلیمات اسلامی ریشه بگیرد و بند استعمار فکری و جمود را از دست و پای مسلمانان باز نماید حوزه های علوم اسلامی در طول تاریخ کانون پر تپش جهاد و اجتهاد بوده اند اجتهاد برای شناخت اسلام و شناساندن واقعیت آن و جهاد برای دفاع از حقیقت دین خدا در برابر بد اندیشان و بد خواهان اجتهاد رمز تطبیق زندگی جامعه انسانی بر اساس دین است. مجتهدین در واقع نظریه پردازانی هستند که پاسخگوی مسائل روز جهان اسلام می باشند چون اجتهاد بطور قطع، نبض حیات بشریت است هیچ امام مجتهدی رسیدن به صواب را به خود منحصر نکرده و به مردم وانمود نساخته است که هر چه فلان شخص بگوید جزء مسلمات دین بوده و پیروی و تقلیدش واجب است.

امام مالک می فرماید: {کل احد یوخذ من کلامه و یترک الا صاحب هذا القبر}. جز کلام صاحب این قبر یعنی

پیامبر(ص) کلام هر کس دیگری قابل قبول نیست و رد است و امام شافعی نیز می فرماید:





{ رأیی صوابٌ یحتمل الخطأ و رأی غیری خطأً یحتمل الصواب } نظر و فتوای خود را حق میدانم ولی احتمال اشتباه دارد و نظر و فتوای غیر خود را اشتباه می دانم ولی احتمال حق و صواب را دارد.

فقه در اصطلاح شرع به معنی علم به احکام شرعی است که از طریق اجتهاد حاصل می گردد. احکام شرعی که علم به آن ها را فقه می گویند هفت نوع است. واجب و مندوب و مباح و محذور و مکروه و صحیح و باطل.

- ۱- واجب آن است که انجام دادنش موجب ثواب و ترکش باعث کیفر و مجازات است.
- ۲- مندوب آن است که انجام دادنش موجب ثواب ولی ترکش مجازاتی ندارد.
- ۳- مباح آن است که نه انجام دادنش موجب ثواب و نه ترکش باعث مجازات است.
- ۴- محذور آن است که ترکش موجب ثواب و فعلش باعث عقاب است.
- ۵- مکروه آن است که ترکش باعث ثواب و فعلش مجازاتی ندارد.
- ۶- صحیح آن است که شرعاً معتبر و قابل اجرا باشد و آثار شرعی بر آن ترتب نماید.
- ۷- باطل آن است که اجرا و اعتبار شرعی نداشته باشد و آثار شرعی بر آن ترتب نکند.

اجتهاد در لغت به معنی رنج و مشقت کشیدن و در اصطلاح عبارت است از بکار بردن شخص، تمام طاقت و توانایی خود را در تحصیل ظن نسبت بحکم شرعی.

مجتهد در اجتهاد خود اگر راه صواب پیمود و حکم واقعی را درک کرد او را مصیب و اگر راه خطا رفت و به پیدا کردن حکم موفق نگردید او را مخطی می نامند.

حکم در مسائل اجتهادی مادام که مخالف با دلیل قاطعی نباشد نقض آن جائز نیست.

تقلید در اصطلاح عبارت است از قبول کردن و پیروی نمودن از رای دیگری بدون اطلاع بر دلیل آن.

برای اشخاصی که مجتهد مطلق نیستند خواه عوام باشند یا غیر عوام، در مسائلی که غیر از عقاید دینی است تقلید از مجتهد امری لازم و ضروری می باشد و دلیلی که بر وجوب آن اقامه شده آیه { فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ } است.

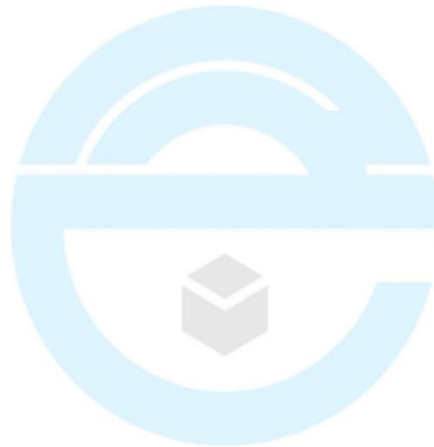
بر کسانی که دارای صفات و مقام اجتهاد هستند و همچنین بر اشخاصی که عملاً میتوانند استنباط حکم از دلیل کنند تقلید دیگران غیر جائز و حرام است زیرا اجتهاد اصل و تقلید بدل آن است.

احکام شرعی از قرآن، حدیث صحیح و حدیث حسن اخذ می شوند زیرا امام شافعی در مورد حدیث ضعیف فرموده است اگر مردم یعنی علمای دین به آن راضی شدند و آن را قبول کردند دلیل خواهد شد و برای احکام شرعی مناسب خواهد بود یعنی به این علت که اجماع خواهد شد و امام احمد فرموده است شرط عمل کردن به حدیث ضعیف این است که با قرآن و حدیث صحیح مخالفت نداشته باشد.





امام نوای می فرماید : عمل کردن به حدیث ضعیف در کارهای خیر جایز است یعنی به شرطی که بسیار ضعیف نباشد (کتاب الاذکار). در علم الحدیث قاعده ای وجود دارد و آن این است که اگر سند حدیثی ضعیف بود اما متن آن موافق متن حدیث صحیح دیگری بود این حدیث صحیح، شاهد آن حدیث ضعیف خواهد شد و آن را به درجه ی حدیث حسن لغیره ارتقا میدهد و همانند حدیث حسن لذاته به آن رفتار می شود و بدان که در کتاب های فقهی این نوع حدیث (نوع دوم و سوم) زیاد وجود دارد و با شروطی که بیان شد به آن ها رفتار خواهد شد ولی اینکار در وسعت مجتهد است همان گونه که قبلا بیان شد.



آموزش و ترویج
مدیریت اهل سنت



جلسه اول

طهارت:

- آب هایی که برای طهارت و پاکیزگی به کار می روند و پاکسازی با آن ها جایز است هفت نوع است.
- ۱- آب آسمان: چون خداوند می فرماید: «وینزل علیکم من السماء ماء لیطهركم به» انفال ۱۱ «خداوند از آسمان آب را برای شما فرود می آورد تا به وسیله آن شما را پاک کند»
 - ۲- آب دریا: چون پیامبر (ص) وقتی که درباره آب دریا از وی سوال شد فرمود: «هو الطهور ماؤه الحل میتته» یعنی آب دریا پاک کننده و مردارش حلال است.
 - ۳- آب چاه: در حدیث آمده است از پیامبر (ص) سوال شد آیا تو از آب چاه (بضاعه) وضو می گیری پیامبر فرمود: «الماء طهور لا ینجسه شیء» یعنی آب پاکیزه و پاک کننده است چیزی آن را آلوده نمی کند.
 - ۴- آب رودخانه
 - ۵- آب چشمه
 - ۶- آب برف
 - ۷- آب تگرگ
- به صورت بسیار اختصار این هفت نوع آب، یا آب آسمان هستند یا آب زمین.

اقسام آب

- ۱- پاک و پاک کننده است: این آب؛ آب مطلق است یعنی دارای قید نیست و تنها لفظ آب بر آن اطلاق می شود.



- ۲- آب پاک و پاک کننده ولی استعمالش مکروه می باشد، نظیر آبی که با حرارت خورشید گرم شده باشد.
- ۳- آب پاکی است ولی پاک کننده نیست یعنی با آن هیچ چیز کثیف شده ای پاک نخواهد شد و وضو گرفتن با آن صحیح نخواهد بود، نظیر آب مستعمل برای حدث.
- ۴- آب نجس است، و آن آبی است که چیز نجسی در آن افتاده باشد و آن آب کمتر از قلتین باشد فرقی نیست چیز کثیفی آب را تغییر داده باشد یا نه پیامبر(ص) فرمود هرگاه آب قلتین باشد کثیف نخواهد شد.
- امام شافعی گفته قلتین پنج کنده است که با پیمانۀ امروزی حلب یعنی ۱۹۲ لیتر خواهد بود.

پاک کرن پوست مردار

تعریف مردار: مردار، حیوان یا پرنده ای است که بدون ذبح شرعی نزع روح شده باشد؛ مانند خر و استر زیرا شرع مقدس ذبحی را برای آن ها وضع نکرده است پس اگر با ذبح هم نزع روح بشوند مردار محسوب می شوند یا گوسفند و بز و مرغ و امثال آن ها بمیرند و ذبح شرعی نشوند مردار محسوب می شوند؛ پوست مردارها با دباغی کردن پاک می شوند.

دباغی عبارت است از کنار بردن چربی و گوشت زاید پوست با چیزی که مزه تند داشته باشد مانند ماز و پوست انار به شیوه ای که اگر پوست در آن انداخته شود بویی بدی نداشته باشد. از پیامبر(ص) نقل شده است هر پوستی که دباغی شود پاک است جز پوست سگ و خوک زیرا در حال زنده بودن هم کثیف هستند و به هیچ وجه پوستشان پاک نخواهد شد پشم و موی حیوان حلال گوشت و پر و موی حلال گوشت چه در حال حیات و چه پس از مرگ پاک است اما اگر موی حیوان یا پرنده ای که گوشتشان حلال نیست از آن ها جدا شد، کثیف است و همانند پوست مردار خواهد بود.

ظروف غذا

استعمال ظروف طلا و نقره برای مرد و زن درست نیست پیامبر(ص) فرمود در ظروف طلا نقره ننوشید و نخورید؛ همان گونه که بکار گرفتن ظروف طلا و نقره برای خوردن و نوشیدن منع شده استعمال آن ظروف برای کارهای دیگر هم حرام است اما استفاده و استعمال ظروف غیر طلا و نقره مانند شیشه چینی استیل مس آلومینیوم و... حلال است هر چند که بسیار قیمتی باشند.





مسواک زدن

عبارت از چیز خشنی است که جرم دندان را کنار ببرد؛ مسواک کردن در هر موقع جز برای روزه دار در بعد الظهر سنت است زیرا بیشتر از ۱۰۰ حدیث در منافع مسواک روایت شده است. مسواک کردن در ۳ وقت بسیار مستحب است اول در وقت تغییر یافتن بوی دهان به سبب سکوت یا نخوردن یا خوردن چیز بد بو مانند سیر و پیاز دوم در وقت برخاستن از خواب، سوم در حین برخاستن برای نماز .

وضو گرفتن

فرض های وضو شش فرض است:

- ۱- نیت کردن در حین شستن صورت، یعنی قصد برداشتن بی وضویی یا نیت انجام دادن فرض وضو؛ نیت آوردن قلبی است بیان آن با زبان لازم نیست.
- ۲- شستن صورت، عرض صورت عبارت است از فاصله میان دو گوش و طول آن از محل روییدن موی سر تا انتهای فک پایین.
- ۳- شستن دست همراه دو آرنج
- ۴- مسح قسمتی از سر
- ۵- شستن دو پا با دو قوزک
- ۶- ترتیب بر طبق آنچه بیان شد

مستحبات وضو

سنت و مستحبات وضو ده مورد است:

- ۱- گفتن بسم الله
- ۲- شستن کف دو دست قبل از شروع به وضو گرفتن
- ۳- مضمضه، یعنی آب در دهان گرداندن



۴- استنشاق (آب در بینی گرداندن)

۵- مسح همه سر

۶- مسح ظاهر و باطن هر دو گوش با آب تازه نه با آبی که سر با آن مسح شده است

۷- وارد کردن انگشتان دست به میان ریش پر پشت

۸- وارد کردن انگشت به میان انگشتان دو دست و دو پا

۹- تقدیم اندام های راست بر چپ در وضو

۱۰- تکرار کردن شستن اندام های وضو تا سه مرتبه

استنجاء (رهایی از نجاست و آلودگی)

پاک کردن خود از ادرار و مدفوع واجب است بهتر آن است که ابتدا با سه سنگ و سپس با آب طهارت کند همچنین درست است تنها با آب یا با سه سنگ محل نجاست را پاک کند اما افضل آن است با آب طهارت کند زیرا آب بهتر نجاست را از بین می برد.

آداب قضای حاجت

در بیابان در حین دفع حاجت باید از رو کردن و پشت کردن به قبله و از ریختن ادرار و مدفوع اجتناب شود و باید از ریختن ادرار و مدفوع در زیر درخت میوه و در راه و سایه و سوراخ زمین خودداری شود و در حین دفع حاجت نباید صحبت کرد و نباید رو به خورشید و ماه که از آیات درخشان هستند قضای حاجت کند و نباید در مسیر وزش باد ادرار کند.



نواقض وضو

چیزهایی که وضو را تباه و باطل می سازند شش مورد هستند:

- ۱- هر چیزی که از دو راه خروجی نجاست خارج شود فرقی نیست خارج شده کم باشد یا زیاد مایع باشد یا جامد ادرار و مدفوع باشد یا غیر از آن.
- ۲- خوابیدن: به شرطی وضو با خوابیدن باطل می شود که انسان مقعدش را به شیوه ای محکم نکند که چیزی از آن خارج شود یعنی اگر در حال نشستن پاشنه ی پایش را در مقابل مقعدش نهاد و بر آن خوابید وضو باطل نخواهد شد.
- ۳- زوال عقل خواه به سبب مستی باشد خواه به سبب بیماری یا به سبب خواب.
- ۴- برخورد پوست زن و مرد بیگانه بدون حجاب و مانع اما لمس پوست بچه ای که به سنی نرسیده باشد که یک مرد میانسال به او میل جنسی داشته باشد وضو را باطل نمی کند.
- ۵- لمس آلت ادرار با کف دست بدون پوشش.
- ۶- دست زدن به حلقه دبر.

اسباب واجب شدن غسل

- شش مورد شرعا موجب وجوب غسل می گردد که سه مورد از آن ها بین زنان و مردان مشترک است.
- ۱- رسیدن محل ختنه کردن زن و مرد به یکدیگر یعنی مرد آلت تناسلیش را در شرمگاه زن یا در شرمگاه یا مقعد حیوان فرو کند؛ فرقی نیست منی آنان خارج شود یا خیر.
 - ۲- خارج شدن منی، فرقی نیست در حین خوابیدن خارج شود یا در بیداری با دست خودش بیرون بیاید یا با دست غیر.
 - ۳- مردن، یعنی هر شخصی فوت کند واجب است شسته شود.
- و سه سبب از اسباب غسل به زنان اختصاص دارد این سه تا عبارتند از :
- ۱- قاعدگی
 - ۲- خون بعد از زایمان



۳-زایمان

کیفیت غسل

فرض های غسل سه چیز است:

- ۱- نیت؛ یعنی نیت برداشتن جنابت یا نیت انجام دادن فرض غسل
- ۲- کنار بردن نجاست اگر بر بدنش موجود باشد
- ۳- رساندن آب به تمام موها و پوست بدن

سنت های غسل

سنت های غسل پنج مورد است:

- ۱- گفتن بسم الله
- ۲- وضو گرفتن قبل از غسل
- ۳- دست کشیدن بر بدن تا خوب خیس شود
- ۴- پشت سر هم باشد
- ۵- جلو انداختن طرف راست بر طرف چپ

غسل های سنت

غسل های سنت هفده غسل هستند:

- ۱- غسل جمعه
- ۲- غسل عید رمضان





- ۳- غسل عید قربان
- ۴- غسل طلب باران
- ۵- غسل ماه گرفتگی
- ۶- غسل خورشید گرفتگی
- ۷- غسل بخاطر غسل مرده
- ۸- غسل کافر در وقت مسلمان شدن
- ۹- غسل دیوانه بعد از بهبودی
- ۱۰- غسل بی هوشی بعد از بهبودی
- ۱۱- غسل کردن در وقت احرام حج یا عمره
- ۱۲- غسل کردن برای وارد شدن به مکه مکرمه
- ۱۳- غسل کردن برای ایستادن در عرفه
- ۱۴- غسل کردن در مزدلفه
- ۱۵- غسل رمی جمرات
- ۱۶- غسل طواف خانه خدا
- ۱۷- غسل صفا و مروه
- ۱۸- غسل وارد شدن به مدینه منوره و زیارت پیامبر(ص)

مسح بر خفین

مسح بر دو خف با سه شرط جایز است:

- ۱- بعد از اتمام وضو دو خف را بپوشد
- ۲- دو خف محل شستن فرض دو پا را بپوشاند
- ۳- از جنسی باشند که ممکن باشد بر روی آن ها حرکت کند.



مقیم بجای شستن پا یک شبانه روز و مسافر سه شبانه روز بر خفهایش مسح می کند ابتدای شروع شدن مسح از وقت باطل شدن وضو بعد از پوشیدن خفها است اگر در خانه مسح کرد و سپس به مسافرت رفت یا در مسافرت مسح کرد و سپس مقیم شد در هر دو مورد مسح مقیم را به پایان می رساند.

مسح با سه چیز باطل می شود:

- ۱- با در آوردنشان
- ۲- با انقضای مدت خف
- ۳- با چیزی که غسل را واجب می کند

تیمم و شرایط آن

تیمم عبارت است از رسانیدن گرد و خاک پاک به صورت و هر دو دست تا آرنج به جای وضوء و غسل از کسی که از استعمال آب معذور است.

شرایط تیمم شش مورد است:

- ۱- عذر داشتن در بکار گرفتن آب به سبب سفر یا بیماری
- ۲- فرا رسیدن وقت نماز (قبل از فرا رسیدن وقت نباید تیمم کند)
- ۳- جستجو کردن برای یافتن آب
- ۴- عذر داشتن در استعمال آب
- ۵- بعد از جستجو کردن آب و یافتن آن نیاز دیگری به این آب پیدا شود
- ۶- خاکی که با آن تیمم می شود باید پاک و دارای غبار باشد اگر گچ یا شن مخلوط شوند تیمم کردن با آن خاک درست نیست.



فرائض تیمم

فرض های تیمم چهار چیز است:

- ۱- نیت
- ۲- مسح کردن صورت با غبار
- ۳- مسح کردن دو دست همراه با دو آرنج با غبار
- ۴- رعایت ترتیب

سنت های تیمم

سنت های تیمم سه چیز هستند:

- ۱- گفتن بسم الله الرحمن الرحيم
- ۲- جلو انداختن طرف راست بر طرف چپ
- ۳- توالی

مبطلات تیمم

باطل کننده های تیمم سه چیز هستند:

- ۱- شش موردی که وضو را باطل می کنند
- ۲- دسترسی به آب قبل از وارد شدن به نماز و حین نماز ؛ اگر بعد از ادای نماز به آب دسترسی پیدا کرد نماز خوانده شده درست می باشد.
- ۳- مرتد شدن و خارج شدن از اسلام



**اعاده وقضای نمازی که با تیمم خوانده شده در ۱۲ مورد واجب است:**

۱- هنگامی که عذر سرمای شدید باشد.

۲- نبودن آب درجایی که غالباً آب در آنجا یافت شود.

۳- کسی که از یادش رفت آب با خود بر دارد.

۴- آب در بین کاروانش گم شود.

۵- ساتر بر عضو تیمم باشد.

۶- ساتر در حال حدث گذاشته شود.

۷- ساتر متنجس باشد.

۸- ساتر بر متنجس گذاشته شود.

۹- ساتر زیادتر از محل زخم را بپوشاند.

۱۰- تیمم در سفر معصیت باشد.

۱۱- تیمم قبل از دخول وقت نماز باشد.

۱۲- تیمم بدون عذر وبا وجود آب باشد.

جبار

کسی که بر روی زخم یا شکستگیش باندی وجود دارد که کنار بردن آن ممکن نیست با دست خیس باند را مسح کند و وقتی که آن را مسح کرد تیمم کند و اگر در حین بستن باند وضو داشت نمازش را میخواند و قضای آن بر او واجب نیست

واجب است برای هر نماز واجب یک تیمم جداگانه انجام دهد یعنی با هر تیمم فقط می تواند یک نماز واجب انجام دهد اما برای خواندن نماز سنت محدودیت وجود ندارد و می تواند با یک تیمم چندین نماز سنت را بخواند.



نجاسات

هر مایعی که از دو راه خروج خارج شود نجس است جز منی، و شستن تمام ادرارها و مدفوعها واجب است بغیر از ادرار پسر بچه ای که جز شیر مادر غذایی نخورده باشد ادرار او با پاشیدن آب پاک می شود؛ خون و ریم کم از نجاساتی هستند که مورد عفو قرار می گیرند؛ و جاننداری که اگر در حال حیات عضوی از بدنش جدا شود خونی از بدنش جاری نشود مانند مگس، زنبور سرخ، سوسک و ... هر گاه در ظرفی که مایعی در آن وجود دارد بیفتد و در آن بمیرد آن مایع را کثیف نخواهد کرد و تمام حیوانات جز سگ و خوک و آنچه از هردوی آنها یا یکی از آنها متولد شده است پاک هستند و تمام مرده ها جز ماهی، ملخ و انسانها کثیف هستند؛ اگر سگ و خوک ظرفی را لیسیدن و یا با بدن خیس به چیز خشکی یا با بدن خشک به چیز خیزی برخورد کنند آن ظرف و آن شیء که با آن برخورد کرده اند نجس می شوند و برای پاک شدن باید هفت بار شسته شود که یک بار با خاک و بقیه با آب خواهد بود. و بقیه نجاسات با یک بار شستن پاک خواهد شد اما سه بار شستن بهتر است. هرگاه مشروب خود به خود به سرکه تبدیل شد پاک خواهد شد و نوشیدنش حلال است و اگر با انداختن چیزی در آن تبدیل به سرکه شده پاک نخواهد شد.

انواع خون

از شرمگاه زن سه نوع خون بیرون می آید:

۱- خون حیض

۲- خون نفاس (خون بعد از زایمان)

۳- خون استحاضه (خون دایم)

حیض: خونی است که در زمان مشخص و در حین سلامت زن و بدون سبب زایمان از رحم پایین آمده و خارج می شود و رنگش سیاه است و گرم و سوزان است.
نفاس: خونی است که بعد از زایمان از شرمگاه خارج می شود.
استحاضه: خون دایمی است که در غیر ایام حیض و نفاس از شرمگاه خارج می شود.
حداقل زمان حیض یک شبانه روز و حداکثر زمان آن پانزده شبانه روز است.





زمان حیض غالباً شش یا هفت روز است حداقل زمان نفاس بعد از وضع حمل یک لحظه و حداکثر آن شصت روز و غالبش چهل روز است.
حداقل پاکی در بین دو حیض پانزده روز است؛ حداقل سنی که ممکن زن در آن دچار حیض شود ۹ سال قمری است که هر سال ۳۵۴ روز است حداقل زمان بارداری شش ماه است و حداکثر مدت بارداری چهار سال است و غالبش نه ماه است.

اعمالی که با وجود حیض و نفاس حرام هستند، هشت مورد است:

۱- نماز (قضای نماز بعد از اتمام حیض لازم نیست)

۲- روزه (قضای روزه بعد از اتمام حیض واجب است)

۳- تلاوت قرآن

۴- لمس قرآن و حمل آن

۵- ورود به مسجد

۶- طواف خانه خدا

۷- جماع

۸- لذت گرفتن از مابین ناف و زانوی زن بدون پوشش



بر جنابت دار پنج چیز حرام است:

۱- نماز

۲- تلاوت قرآن

۳- لمس و حمل قرآن

۴- طواف خانه خدا

۵- ماندن در مسجد





بر بی وضو سه چیز حرام است:

۱- نماز

۲- طواف

۳- لمس قرآن و حمل آن

رعایت طهارت و نجاست در مواقع و مشاعر

افزون بر اینکه احترام آن اماکن مقدس لازم است و بهتر است نظافت و طهارت آن اماکن را رعایت کنند برای تطهیر بدن و لباس نیز ممکن است به جهت امکانات نظافت و طهارت به طور کامل مراعات نشود که دقت در اینگونه موارد برای پاک ماندن لباس احرام لازم است.



سید مصطفی خاتمی
مدیریت اهل سنت





جلسه دوم

نماز

نمازهایی را که خداوند متعال در شبانه روز بر مسلمانان فرض کرده پنج نماز هستند.

۱- صبح

۲- ظهر

۳- عصر

۴- مغرب

۵- عشاء

نمازهای سنتی که با جماعت خوانده می شوند پنج نماز هستند:

۱- نماز عید فطر

۲- نماز عید قربان

۳- نماز خورشید گرفتگی

۴- نماز ماه گرفتگی

۵- نماز طلب باران

نمازهای سنتی که با جماعت خوانده نمی شوند و همراه نمازهای فرض می باشند نوزده رکعت هستند.

۱- دو رکعت قبل از نماز صبح

۲- چهار رکعت قبل از نماز عصر

۳- دو رکعت بعد از نماز مغرب

۴- سه رکعت بعد از نماز عشا که یک رکعت از آن ها جداگانه خوانده می شود



سه مورد از نمازهای سنت موکد هستند و نسبت به بقیه از اهمیت بیشتری برخوردارند

۱- نماز شب

۲- نماز چاشت

۳- نماز تراویح

شرایط صحت نماز

شرط های نماز قبل از وارد شدن در آن پنج مورد است:

۱- پاکی اعضا از بی وضویی و جنابت

۲- پوشاندن عورت با لباس پاک

۳- ایستادن بر مکان پاک

۴- علم به وقت نماز

۵- رو کردن به قبله

جواز رو نکردن به قبله

در دو حالت میتوان به قبله رو نکرد:

۱- در حین شدت خوف

۲- در نماز سنتی که در سفر و بر مرکب خوانده میشود

ارکان نماز

نماز دارای هیجده رکن است:

۱- نیت

۲- ایستادن بر پاها در حالی که قادر به ایستادن باشد

۳- گفتن الله اکبر احرام (تکبیره الاحرام یا تکبیر شروع نماز)

۴- قرائت فاتحه در هر رکعت



۵- رکوع

۶- ساکن شدن در رکوع

۷- بلند شدن از رکوع و اعتدال

۸- مکث بعد از بلند شدن از رکوع

۹- دو بار سجده کردن در هر رکعت

۱۰- مکث در سجده

۱۱- نشستن در بین دو سجده

۱۲- مکث در بین دو سجده

۱۳- نشست آخر

۱۴- خواندن تشهد

۱۵- فرستادن صلوات بر پیامبر و آل پیامبر

۱۶- وسلام دادن اول

۱۷- نیت خارج شدن از نماز (ولی بر فتوای اصح این نیت رکن نیست)

۱۸- ترتیب ارکان به طریق مذکور

سنت قبل از نماز

سنت های قبل از ورود به نماز دو چیز است:

۱- اذان

۲- گفتن اقامه (برای نمازهای فرض)

سنت هایی که بخشی از نماز و در نماز می باشند دو مورد است:

۱- تشهد اول

۲- خواندن قنوت در سه وقت (نماز صبح، در حین نزول بلا، در نماز وتر در نصف دوم ماه رمضان)

تفاوت زن و مرد در نماز

در نماز، زن با مرد در چهار مورد متفاوت است:

۱- سنت است مرد در رکوع و سجود دو آرنجش را از کمرش دور و به میزان یک وجب شکمش را از دو رانش

بلند کند ولی زن در رکوع آرنج هایش به کمر و در سجود آرنج هایش را به ران هایش متصل می کند.



- ۲- مرد در جاهای بلند کردن صدا نماز ش را با صدای بلند می خواند اما زن با حضور مردان بیگانه باید نماز را با صدای آهسته بخواند.
- ۳- هرگاه در نماز برای مرد موردی روی بدهد مانند آگاه کردن امام سنت است بگوید سبحان الله ولی در مورد مشابه برای زن سنت است با دست راست بر دست چپ ضربه وارد کند.
- ۴- عورت مرد (بالغ و نابالغ) مابین ناف و زانویش است ولی زن (بالغ و نابالغ) جز صورت و دستش تا مچ، عورت است.

مبطلات نماز

- ۱- کلام عمد
- ۲- حرکات زیاد و اضافی
- ۳- بی وضویی
- ۴- پیدا شدن نجاست بر لباس و اعضاء
- ۵- ظاهر شدن عورت
- ۶- تغییر نیت نماز شروع شده به غیرنماز
- ۷- رو گرداندن از جهت قبله
- ۸- خوردن و آشامیدن عمدی
- ۹- مرتد شدن
- ۱۰- خندیدن با صدای بلند

تعداد رکعت های نماز

نمازهای فرض در شبانه روز هفده رکعت هستند در این هفده رکعت ۳۴ سجده وجود دارد زیرا هر رکعت مشتمل بر دو سجده است.

تعداد تکبیرات

در نمازهای پنجگانه مقیم (نماز غیر مسافر) ۹۴ الله اکبر وجود دارد.



تعداد تشهدات

در نمازهای پنجگانه برای مقیم ۹ تشهد و ۱۰ سلام وجود دارد.

خواندن نماز به صورت نشسته

کسی که قادر نباشد نمازهای فرض را به صورت ایستاده بخواند می تواند نشسته نماز ش را بخواند و کسی که بخاطر بیماری نتواند بنشیند بر پهلو راستش رو به قبله نماز می خواند و کسی که نتواند بر پهلو راستش دراز کشیده و نماز بخواند می تواند بر پشت بخوابد و نمازش را بخواند.

سجده سهو

آنچه از نماز ترک می شود سه مورد است:

۱- فرض: مانند ارکان

۲- سنت: مانند تشهد اول

۳- هیئت: مانند تسبیح رکوع و سجود

سجده سهو جبران فرض ترک شده را نمی کند بلکه اگر بعد از سلام در فاصله کمی به یادش آمد به نماز می گردد و فرض ترک شده را انجام داده و تا پایان نماز ش را ادامه می دهد و شرط برگشتن به نماز این است که نماز گزار بعد از سلام حرف زیاد نزده و بی وضو نشده باشد و سنت است بخاطر این سهو سجده سهو را انجام دهد و اگر نماز گذار سنتی را ترک کرد مانند تشهد اول و واجبی را شروع نمود نباید به سنت ترک شده برگردد، ولی سنت است برای ارتکاب این سهو سجده سهو را انجام دهد و اگر نماز گذار هیئتی از هیئات نماز را مانند تسبیحات در رکوع و سجود ترک کرد نباید به آن ها برگردد و سجده سهو برای آن ها نیز لازم نیست و اگر نماز گذار در تعداد رکعت های خوانده شده شک کرد بنا بر یقین می کند، (یعنی بنا بر اقل تعداد رکعت ها می گذارد) سجده سهو قبل از سلام انجام می شود.

سجده تلاوت

در چهارده آیه قرآن لفظ سجده آمده است که برای قاری و کسی که قرائت می شنود سنت است بعد از اتمام آن آیه ها سجده بکند و سنت است سجده کننده در سجده این ذکر را بخواند (سجد وجهی للذی خلقه و صوره و شق سمعه و بصره بحوله و قوته فتبارک الله احسن الخالقین)

لازم است در سجده تلاوت شروط نماز تحقق یابد.



سجده شکر

هرگاه از انسانی بلائی دفع شود یا به او چیزی برسد که مایه سرورش باشد سنت است سجده شکر بکند سجده شکر مانند سجده تلاوت یک سجده است و باید شروط نماز در آن باشد. اوقاتی که نماز غیر سببی در آن ها حرام است. پنج وقت موجود است که نباید نماز سنت در آن ها خوانده شود مگر نمازی که دارای سببی قبلی باشد مانند قضا، نماز مرده، تحیه المسجد و سنت وضو که خواندن نماز در آن پنج وقت هم جایز است.

- ۱- بعد از نماز صبح تا وقتی خورشید طلوع می کند.
- ۲- در حین طلوع خورشید تا هنگامی که طلوعش کامل و به اندازه نیزه ای بلند شود.
- ۳- در وقتی که خورشید در وسط آسمان است تا هنگامی که به طرف مغرب مایل می شود.
- ۴- بعد از نماز عصر تا وقتی که خورشید غروب می کند.
- ۵- در وقت غروب آفتاب تا وقتی که غروبش کامل می شود.

نماز جماعت

نماز جماعت برای هر پنج فرض نماز، سنت موکد است بر ماموم واجب است هنگام گفتن الله اکبر احرام نیت جماعت بکند ولی نیت جماعت با امامت بر امام واجب نیست. درست است انسان از اد به برده و بالغ به بچه ای که به سن تمییز رسیده است اقتدا کند اقتدای مرد به زن درست نیست و نیز اقتدای با سواد به بی سواد صحیح نیست و اگر ماموم در مسجد به امامی که او هم در مسجد است اقتدا کند اقتدایش صحیح است به شرطی که ماموم از حرکات وی آگاه باشد و در جلو او قرار نگیرد و اگر ماموم در مسجد و امام در خارج مسجد بود و به امام نزدیک بود و از حرکات او آگاه بود و در بین امام و ماموم پرده ای نبود اقتدا درست خواهد بود.

قصر و جمع نماز در سفر

قصر:

با پنج شرط برای مسافر درست است چهار رکعتی را قصر یعنی دو رکعت کند:

- ۱- نباید سفرش گناه باشد.
- ۲- باید مسافت سفرش شانزده فرسخ باشد.
- ۳- باید نمازی که قصر می شود چهار رکعتی باشد.



۴- باید در حین گفتن تکبیره الاحرام نیت قصر داشته باشد.

۵- نباید به مقیم اقتدا کند.

جمع:

برای مسافر درست است نماز ظهر و عصر را با هم در وقت هر کدام از آن ها که میل دارد جمع کند و نیز می تواند نماز مغرب و عشا را در وقت هر کدام که اراده دارد بخواند اگر عصر به وقت ظهر و عشا به وقت مغرب آورده شود جمع تقدیم و اگر عکس آن باشد جمع تأخیر نامیده می شود برای کسی که در منزل است درست است در وقت بارش باران دو نماز را در وقت اولین آن ها جمع کند.

نماز جمعه و شرایط آن

شروط وجوب نماز جمعه به این ترتیب است:

۱- اسلام

۲- بلوغ

۳- عقل

۴- از اد بودن

۵- مرد بودن

۶- سلامتی

۷- اینکه نمازگذار مقیم محل برگزاری نماز جمعه باشد

شرایط صحت نماز جمعه

۱- محل برگزاری نماز جمعه شهر یا روستا باشد

۲- عدد نمازگذاران از میان مکلفین به چهل نفر برسند

۳- زمان برگزاری آن از وقت نماز ظهر تا وقت نماز عصر باشد

پس اگر به مقدار خواندن دو خطبه و نماز جمعه زمان باقی نبود یا حداقل یکی از شرایط تحقق نیافته بود با نیت ظهر چهار رکعت خوانده شود.



فرض های نماز جمعه

- ۱- خواندن دو خطبه که امام در حین خواندن آن ها قیام می کند و در بین آن ها به مقدار نشستن بین دو سجده می نشیند.
- ۲- خواندن دو رکعت نماز با جماعت

مستحبات جمعه

- ۱- غسل کردن با نیت غسل جمعه و پاک کردن بدن از چرک و بوی بد
 - ۲- پوشیدن لباس زیبای سفید
 - ۳- گرفتن ناخن
 - ۴- خوشبو کردن خود
 - ۵- گوش دادن و سکوت در حین خواندن خطبه ها
- سنت است کسی که در اثنای خطبه ی امام وارد مسجد شد دو رکعت کوتاه با نیت تحیه المسجد یا سنت قبل از نماز جمعه بخواند

نماز عیدین

نماز دو عید رمضان و قربان برای تمامی اشخاص سنت موکد است؛ نماز عید دو رکعت است که با نیت نماز عید رمضان یا قربان خوانده می شود به این ترتیب که در رکعت اول بعد از دعای افتتاح هفت بار الله اکبر گفته می شود و در رکعت دوم بغیر از الله اکبر برخواستن از سجده پنج مرتبه الله اکبر گفته می شود؛ سنت است با گفتن هر الله اکبر دست ها را بلند کرده و در فاصله بین تکبیرات این ذکر خوانده شود «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» سنت است امام بعد از نماز، دو خطبه را همانند خطبه های نماز جمعه ادا کند قبل از شروع خطبه اول ۹ بار پیایی می گوید الله اکبر و قبل از شروع خطبه دوم ۷ بار الله اکبر می گوید.

سنت است از غروب آفتاب شب عید رمضان تا وقت ورود به نماز، هر شخصی الله اکبر بگوید و در عید قربان جز تکبیرهای شب از صبح روز عرفه تا عصر روز آخر ایام التشریق بعد از نمازهای فرض و سنت گفتن این الفاظ سنت است.

نماز خورشید و ماه گرفتگی

نماز خورشید و ماه گرفتگی سنت موکد است و اگر فوت شد قضا نخواهد شد در حین خورشید و ماه گرفتگی سنت است دو رکعت نماز با نیت خورشید یا ماه گرفتگی خوانده شود در هر رکعت از دو رکعت آن دو قیام



وجود دارد که نماز گذار در آن ها قرائت را طولانی می کند و همچنین در هر رکعت دو رکوع وجود دارد که ذکر «سبحان ربی العظیم و بحمده» زیاد خوانده می شود؛ ولی سجده این نماز نباید زیاد طولانی باشد؛ سنت است بعد از پایان نماز امام دو خطبه را بخواند امام در خورشید گرفتگی نماز ش را با صدای آرام و در ماه گرفتگی با صدا بلند می خواند.

نماز طلب باران

نماز طلب باران سنت موکد است که در این هنگام امام به مردم دستور می دهد که توبه کنند و صدقه کنند و از ظلم ها دست برداشته و همدیگر را حلال کنند و با دشمنان صلح کرده و نیز به مردم امر می کند که سه روز متوالی روزه بگیرند و در روز چهارم حاکم مردم را در لباس کهنه و با خوف و تضرع به بیابان می برد و نماز باران می خواند سنت است بعد از نماز امام دو خطه را ایراد کند و عبا یا لباس دیگری را برمی گرداند یعنی طرف زیرین را ظاهر کرده و طرف پایین را بالا می آورد و در هر دو خطبه به مقدار زیاد از خدا طلب نزول باران و دفع بلا می کند و سنت است در خطبه اول دعای پیامبر (ص) را بخواند «اللهم اجعلها سقیا رحمه و لا تجعلها سقیا عذاب و لا محق و لا بلاء و لا هدم و لا غرق اللهم علی الطراب و الآکام و منابت الشجر و بطون الاودیه اللهم حوالین و لا علینا اللهم اسقنا غیثا مغیثا هنیئا مریئا مریعا سحا عاما غدقا طبق مجللا دائما الی یوم الدین اللهم اسقنا الغیث و لا تجعلنا من القانطین اللهم ان بالعباد و البلاد من الجهد و الضنک مالانشکوا الا الیک اللهم انبت لنا الزرع ادر لنا الضرع و انزل علینا من برکات السماء و انبت لنا من برکات الارض و اکشف عنا من البلاء مالا یکشفه غیرک اللهم انا نستغفرک انک کنت غفارا فارسل السماء علینا مدرارا» و هرگاه سیل آمد سنت است که در دره ها غسل کند سنت است در حین رعد و برق بگوید «سبحان من یسیح الرعد بحمده و الملائکه من خیفته».

زائران و نمازهای قضا

آنان که نماز قضا دارند، فرصت را از دست ندهند و اوقات فراغت خود را بیهوده نگذرانند و بیش از مقدار نیاز وقت خود را در باز ارها و مغازه ها تلف نکنند و نمازهای قضای خود را بجای آورند، که این وظیفه واجب آن هاست که باید بدان عمل کنند و چه بهتر که این عبادت ها در اماکن مقدسی همچون مسجدالحرام و مسجدالنبی (ص) انجام شود که افزون بر عمل به واجب شرعی از پاداش بیشتری نیز برخوردار خواهند شد.





جلسه سوم

حرمت طلا و ابریشم:

برای مردان پوشیدن لباس ابریشم و انگشتر طلا حرام است و کم یا زیاد بودن میزان طلا در حرام بودن آن مساوی است، هر گاه بخشی از لباس ابریشم و بخشی دیگر از پنبه یا کتان باشد به شرط آن که میزان ابریشم آن بیشتر نباشد پوشیدن آن درست خواهد بود، اما استفاده‌ی از طلا و ابریشم برای زنان حلال است.



سید مصطفی خاتمی
مدیریت اهل سنت





جلسه چهارم

نیازهای مرده:

در حق مرده مسلمان چهار کار به صورت کفایه واجب است، و عبارتند از :

۱- شستن ۲- تکفین ۳- خواندن نماز بر او ۴- دفن او

دو نفر شسته نخواهند شد و نماز بر آن ها خوانده نمی شود:

اول- کسی که در جنگ با کفار و مشرکین شهید شود.

دوم- کسی که نماز بر او خوانده نمی شود و شسته نمی شود سقطی است که بدون گریه و حرکت به دنیا بیاید.

بعد از نزع روح واجب است مرده به تمامی شسته شود هر چند که در آب غرق شده باشد، و سنت است شستن میت به صورت عدد فرد باشد، و در شستن اول سدر و یا صابون و یا بکار گرفته شود سنت است در شستن آخر کمی کافور در آب ریخته شود.

کفن مرده

اگر مرده مال نداشت تنها یک برگ کفن واجب است که باید تمام بدنش را بپوشاند و اگر مرد مال داشت بهتر است در سه برگ کفن شود، سنت است هر سه ی آن ها سفید باشند و در میان این سه برگ پیراهن و عمامه نیست.



نماز مرده

این نماز در حال قیام و بدون رکوع و سجود انجام می شود، و شروط این نماز به جز شرط های دیگر نماز عبارتند از :

۱- باید مرده شسته یا تیمم شده باشد.

۲- باید بدن و کفنش پاک باشند.

۳- باید مرده در جهت قبله نماز گزار قرار داده شود ولی اگر مرده در شهر یا روستای دیگری بود لازم نیست در جلوی نماز گزار قرار گیرد.

- واجب است نماز گزار بر مرده چهار الله اکبر بگوید، بعد از الله اکبر اول سوره ی فاتحه را تلاوت می کند و الله اکبر دوم می گوید و بعد از الله اکبر دوم بر پیامبر و آل او صلوات می فرستد و بعد از الله اکبر سوم برای مرده دعای خیر می کند و سپس الله اکبر چهارم گفته و سلام می دهد.

- گریه کردن بر مرده اشکالی ندارد و در صورتی درست است که گریه کننده ناله نکند و یقیه را پاره ننماید و گیسوهایش را ظاهر نکرده و صورتش را رخمی نکند.

- از وقت دفن مرده تا سه روز به خانواده مرده تسلیت و تعزیت گفته می شود.

- جز برای نیاز، دو مرده در یک قبر دفن نخواهند شد.



جلسه پنجم

زکات:

زکات در دین اسلام این است که مسلمانان با شرایط آتی، بخشی از مال خود را به مسلمان دیگری بدهند، زکات رکن سوم اسلام است که در ماه شوال سال دوم هجری واجب شده و انکار و جوبآن کفر است و کسی که زکات را پرداخت نمی کند باید حاکم به زور از او بگیرد و اگر در این صورت هم پرداخت نکرد با او جنگ خواهد شد. خداوند می فرماید: «واقیوا الصلوه و اتوا الزکات».

زکات در پنج چیز واجب است که عبارتند از:

۱- حیوان ۲- پول ۳- کشت ۴- میوه ۵- کالای تجاری

اما حیوانات در سه جنس آن ها زکات واجب است. که عبارتند از:

۱- شتر (اولین حد نصاب زکات شتر ۵ نفر است و زکات آن یک گوسفند ماده یک ساله یا یک بز دو ساله می باشد در ۱۰ شتر ۲ گوسفند، در ۱۵ شتر ۳ گوسفند و در ۲۰ شتر، ۴ گوسفند واجب است، در ۲۵ شتر یک شتر ماده یک ساله و در ۳۶ شتر یک شتر ماده دو ساله و در ۴۶ شتر یک شتر ماده سه ساله در ۶۱ شتر یک شتر ماده چهار ساله در ۷۶ شتر دو شتر ماده دو ساله در ۹۱ شتر دو شتر ماده سه ساله و در ۱۲۱ شتر سه شتر ماده دو ساله واجب است وقتی که به ۱۳۰ نفر رسیدند از هر ۴۰ نفر یک شتر دو ساله ماده و از هر ۵۰ نفر یک شتر ماده سه ساله پرداخت شود).

۲- گاو (حد نصاب زکات گاو ۳۰ رأس است که در این مقدار یک گوساله نر یا ماده پرداخت می شود و در ۴۰ رأس یک گوساله ماده دو ساله یا دو گوساله نر یک ساله داده می شود).



۳- گوسفند و بز (حد نصاب زکات گوسفند و بز ۴۰ رأس است در این مقدار یک گوسفند واجب و در ۱۲۱ رأس دو گوسفند و در ۲۰۱ رأس سه گوسفند و در ۴۰۰ رأس ۴ گوسفند واجب است و از این عدد به بالا از هر ۱۰۰ رأس یک گوسفند واجب می شود).

زکات حیوان و مالی قاطی شده

دو مالک حیوان های خود را قاطی کرده اند و با این قاطی کردن به حد زکات رسیده اند با هفت شرط همانند یک نفر زکات را پرداخت می کنند:

- ۱- محل استراحتشان در شب یکی باشد.
- ۲- محل جمع شدنشان در روز یکی باشد.
- ۳- محل چرایشان یکی باشد.
- ۴- حیوان جهنده ی آن ها یکی باشد.
- ۵- محل نوشیدن آن ها یکی باشد.
- ۶- شخص دوشنده ی آن ها یکی باشد.
- ۷- محل دوشیدن آن ها یکی باشد.

زکات طلا و نقره و پول

حد زکات طلا بیست مثقال است در بیست مثقال یک چهارم یک دهم (نیم مثقال) و در بیشتر از بیست مثقال با این حساب زکات داده می شود، حد زکات نقره دویست درهم است که ۱۴۰ مثقال خواهد شد که در این مقدار یک چهارم یک دهم یعنی پنج در هم واجب است و در بیشتر از دویست درهم با این حساب زکات پرداخت می شود در طلا و نقره ی حلال زینتی زکات واجب نیست.

شرایط وجوب زکات

برای وجوب زکات شش شرط وجود دارد.

- ۱- اسلام (مالک باید مسلمان باشد)
- ۲- آزاد بودن
- ۳- ملک تام
- ۴- رسیدن به حد زکات



۵- فرد باید یک سال کامل قمری مالک باشد

۶- حیوانات از گیاه عمومی چرا شوند

زکات در دو نوع پول ارزشمند واجب است (پولی که به نسبت خود ارزشمند باشد نه ارزشش به اعتباری باشد، مانند طلا و نقره).

شرایط وجوب زکات بر طلا و نقره

شرط واجب بودن زکات بر طلا و نقره در هر سال پنج مورد است.

۱- اسلام (مالک باید مسلمان باشد)

۲- آزاد بودن

۳- ملک تام

۴- رسیدن به حد زکات

۵- سپری شدن یک سال

زکات حبوبات

در حبوبات و دانه با سه شرط زکات واجب می شود

۱- از دانه هایی باشد که انسان آن را برای خوردن کشت می کند.

۲- قوت انسان باشد و قابل ذخیره کردن باشد، مانند گندم، جو، عدس، نخود، برنج، ذرت، لوبیا و... پس، در خیار، خربزه و هندوانه زکات واجب نیست.

۳- باید به حد نصاب برسد، که اگر پوسته بر دانه نباشد مانند برنج، حد زکات آن پنج بار است یعنی چهل حلب.

زکات میوه

از میان میوه ها زکات در دو نوع آن واجب است:

۱- میوه درخت خرما

۲- انگور

زیرا این دو قوت هستند و ذخیره خواهند شد.



شرایط وجوب زکات در میوه:

شرایط وجوب زکات در میوه چهار چیز است.

۱- اسلام ۲- از اد بودن ۳- ملک تام ۴- رسیدن به حد زکات (که عبارت است از پنج بار در حالت خشک بودن).

در کالا های تجاری هم زکات واجب است با پنج شرطی که در زکات پول بیان گردید. طلا و نقره که از معدن استخراج می شوند اگر بعد از تمیز کردنشان به حد زکات رسید باید بدون تأخیر یک چهلم آن به عنوان زکات پرداخت شود. طلا و نقره ای که از دفین های قبل از اسلام یافت می شود در یک پنجم آن زکات است.

زکات فطر

زکات فطر با سه شرط واجب است.

- ۱- اسلام (زکات دهنده باید مسلمان باشد)
 - ۲- با غروب خورشید از آخرین روز ماه رمضان
 - ۳- لازم است پرداخت کننده بیشتر از قوت خود و خانواده اش در روز و شب عید داشته باشد.
- واجب است زکات دهنده زکات خود و اشخاصی را که نفقه ی آن ها بر اوست بپردازد و برای خود و هر یک از آن ها یک صاع از قوت غالب شهرش را بپردازد.

مصارف زکات

زکات به هشت صنفی که خداوند متعال در قرآن مجید ذکر فرموده است پرداخت می شود:

- ۱- فقراء
- ۲- مساکي
- ۳- جمع کنندگان زکات
- ۴- تازه مسلمان شده ها
- ۵- برده





۶- بدهکار

۷- مجاهدین اسلام

۸- مسافر

پنج گروه هستند که درست نیست زکات به آن ها داده شود.

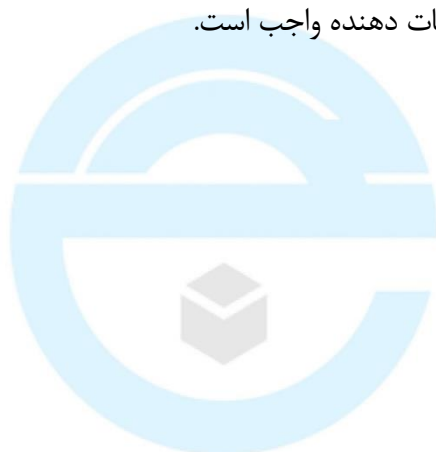
۱- کسی است که با داشتن مال یا شغل بی نیاز باشد

۲- برده ای که برای او کتابت نشده باشد

۳- اولاد هاشم و اولاد مطلب است

۴- کافر است

۵- شخصی که نفقه ی او بر زکات دهنده واجب است.



آموزش و ترویج
مدیریت اهل سنت



جلسه ششم

روزه:

شرایط وجوب روزه چهار مورد است.

۱- مسلمان بودن ۲- بلوغ ۳- عقل ۴- توانایی روزه گرفتن

فرائض روزه

فرائض روزه نیز چهار چیز است.

۱- نیت کردن در شب

۲- منع کردن خود از خوردن و آشامیدن

۳- منع کردن خود از جماع کردن در روز

۴- منع کردن خود از استفراغ عمدی

مبطلات روزه (باطل کننده‌های روزه ده چیز است)

۱- رسیدن عمدی چیزی به داخل سینه، شکم، مثانه، گلو، بینی، گوش و مخ سر است، فرقی نیست این چیز

خوردنی باشد یا نوشیدنی یا دارو

۲- وارد کردن چیزی با تلمبه به یکی از دوراه عقبی یا جلوی انسان

۳- استفراغ کردن عمدی

۴- جماع عمدی





- ۵- خارج شدن منی به سبب دست بازی (استمناء)
- ۶- حیض هر چند که یک قطره خون باشد
- ۷- وضع حمل، هر چند که در هنگام تولد خون از بدن زن نیاید
- ۸- نفاس (خونی که بعد از زایمان بیرن می آید)
- ۹- دیوانگی
- ۱۰- مرتد شدن

مستحبات روزه

در روزه سه چیز سنت است:

- ۱- عجله کردن در باز کردن روزه بعد از غروب یقینی، فتاب
- ۲- تأخیر سحری به شرطی که نسبت به طلوع فجر شک نداشته باشد
- ۳- ترک سخن بیهوده و دشنام، غیبت کردن و دروغ گفتن

روزه ی منع شده

روزه گرفتن در پنج روز حرام است فرقی نیست که روزه‌ی سنت باشد یا نذر یا قضا یا کفاره.

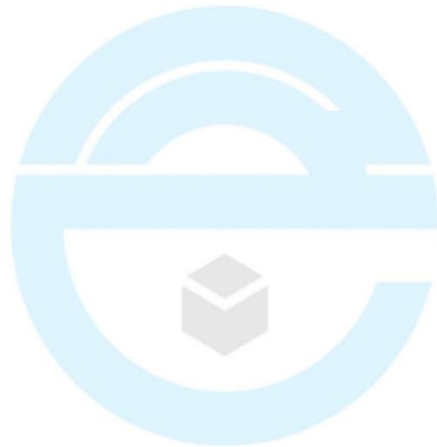
- ۱- دو عید رمضان و قربان.
- ۲- سه روز بعد از عید قربان که ایام تشریق نام دارند.
- ۳- روزه ی یوم الشک مگر اینکه موافق عادت روزه اش باشد مثلاً شخصی عادتاً دوشنبه یا پنجشنبه ها روزه باشد وروز شک یکی از این دو روز باشد یا روزه های واجب را قضا کند، روزه ی روز یوم الشک برای این گونه افراد حرام نخواهد بود.

فدیه و کفاره روزه

کسی که در روز رمضان در حین روزه عمداً جماع کند باید روزه را قضا کند و کفاره هم بر او واجب است و کفاره‌ی جماع عبارت است از آزاد کردن برده ی مومن و اگر برده را نیابد باید دو ماه به صورت متوالی روزه بگیرد و اگر به سبب پیری یا مرضی دائم توانایی این روزه ها را نداشته باشد باید به شصت مسکین یا فقیر طعام بدهد و طعام هر یک از آن ها یک مشت دانه است، مسلمانی که فوت بکند و روزه‌ی ماه رمضان یا کفاره یا نذر بر او باشد فامیلش از مال مرده برای هر روز یک مشت طعام به فقرا می دهد، پیری که از روزه گرفتن عاجز است و نیز مرضی که امید به



بهبود بیماریش نیست و نمی تواند روزه بگیرد می توانند روزه نگیرند و برای هر روز یک مشت طعام را به فقرا می دهند، زن حامله و شیرده، اگر از رسیدن زیان به خود بیم داشتند واجب است روزه را باز کنند و قضا کردن بر آن ها واجب است و اگر از رسیدن ضرر به بچه هایشان بیم داشتند روز را باز میکنند و قضا و كفاره بر آن ها واجب است که برای هر روز یک مشت طعام را میپردازند یک مشت یک رطل و یک سوم رطل عراقی است که ۶۰۵ گرم خواهد بود. بیماری که امید شفایش هست و مسافر سفر طولانی می توانند روزه را باز کنند ولی قضا کردن آن بعد از بهبودی و سفر واجب است.



مجلس شورای اسلامی
مدیریت اهل سنت





جلسه هفتم

حج:

آداب سفر حج به صورت خلاصه:

۱- کسانی که قصد زیارت خانه ی خدا را دارند شایسته است ابتدا گناهانش را به یاد بیاورد و از خداوند توباب و غفار طلب آمرزش کند و اموالی که به صورت غضب و یا ستم از مردم گرفته به صاحبش مسترد نماید و همه ی بدهی هایش را به طلب کاران ادا نماید و مخارج زندگی کسانی را که نفقه ی آن ها بعهدده ی اوست تا هنگام برگشتن آماده سازد و همه ی امانت ها را به صاحبانش تحویل نماید و در حد وسع و توان مال حلال را با خود بردارد و دادن صدقه به نیاز مندان قبل از عزیمت و در هر زمان عملی بسیار نیکو است.

۲- باید از دوستان و همسایگان خداحافظی کند و از آنان طلب دعا و حلیت نماید.

۳- قبل از خروج از خانه شایسته است دو رکعت نماز مستحب بجا آورد سپس دو دستش را بلند کرده و به اخلاص دعا کند و بگوید خداوندا تو در سفر رفیقی و در خانواده و فرزندانم جانشینی ما و ایشان را از هر آفت و بلایی حفظ کن بار الها ما در این سفر نیکی و تقوا را از تو می طلبیم و عملی را از تو خواهانیم که رضای تو در آن باشد خداوندا از مشقت سفر و پریشانی و ناامیدی و از نا گواری در خانواده و مال و فرزند به تو پناه می بریم.

۴- خروج از خانه (هنگامی که به در خانه می رسد) بگوید « بسم الله توکلت علی الله لا حول و لا

قوه الا بالله » و نیز بگوید پروردگارا به تو پناه می برم از اینکه کسی را گمراه کنم یا کسی را



ذلیل کنم یا ذلیل شوم یا ستم کنم و یا مرا ستم کنند خدایا من برای کبر و خود نمائی از خانه خارج نشده ام و نه برای ریا و شهوت بلکه برای دوری از خشم تو و بدست آوردن رضایت تو و برای ادای واجبات تو و به پیروی از سنت پیغمبرت بیرون آمده ام و سفر می کنم.

۵- هنگام سوار شدم در فرودگاه و یا هر جای دیگر بگوید (سبحان الذی سخر لنا هذا و ما كنا له مقرنین) یعنی منزّه است آن خدایی که این مرکب را مسخر ما گرداند و ما هرگز مهار کننده ی آن نبوده ایم.

مناسک حج و عمره:

حج در زبان عربی به معنی قصد است و در اصطلاح شرع به معنی قصد زیارت خانه کعبه برای ادای افعال حج است از قبیل طواف، سعی بین صفا مروه، وقوف در عرفه و دیگر مناسک بیت الله الحرام می باشد.

حج به دلیل قرآن، سنت نبوی و اجماع امت اسلامی فرض است.

دلیل قرآن: خداوند متعال می فرماید: (ولله علی الناس حج البيت من استطاع الیه سیلاً) خداوند فرض نموده که هرکس قدرت و استطاعت مالی و جسمی داشت از خانه ی خدا زیارت بعمل آورد و قصد حج آن کند.

پیامبر(ص) می فرماید: (بنی السلام علی خمس) بنای اسلام پنج چیز است که حج یکی از ارکان پنجگانه اسلام است و امت اسلامی بر آن اجماع دارند، حج در طول عمر یک بار واجب و فرض است.

پیامبر(ص) می فرماید: (الحج مره واحده فمن زاده تطوع اخرجه امام احمد) در طول عمر یک بار فرض است پس هر کس بیش از یک بار حج کند داوطلبی است و سنت می باشد. عمره نیز چون حج فرض است به دلیل آیه ۱۶۹ سوره بقره که می فرماید: (واتموا الحج والعمرة لله) حج و عمره را با دستور خدا و برای او به اتمام برسانید.

از ام المومنین روایت شده که گفت: (آن ها قالت یا رسول الله (ص) هل علی النساء جهاد. قال نعم جهاد لا قتال فیہ الحج والعمرة) ای رسول خدا آی ا بر زنان جهاد واجب است؟ پیامبر(ص) فرمودند: آری جهادی که در آن جنگ نیست حج و عمره می باشد.



بر کسی که اراده حج دارد واجب است که احکام حج را به تمامی از واجبات و محرمات و مکروهات و مباحات را یاد گیرد چون خداوند متعال عبادت را از کسی قبول نمی کند که بدان عبادت جاهل باشد پس هر چیزی که عمل بر آن واجب باشد علم بر آن نیز واجب است. خداوند متعال می فرماید: (فاسالوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون) هر گاه چیزی را که عمل آن واجب است نمی دانید آن را از کسی بپرسید و فرا گیرید که اهل ذکر و عالم به آن باشد. نخستین چیزی که واجب است هر کس یاد بگیرد شناختن حلال و حرام است چون اگر کسب، حلال و پاک باشد عمل انسان نیز پاک، و رو به فزونی است و اگر کسبش حلال و پاک نباشد بیم آن می رود عملش پذیرفته نشود. خدای تعالی می فرماید (انما یتقبل الله من المتقین) براستی خداوند تنها اعمال متقیان را قبول می کند. شاعر چه نیکو گفته است.

اِذَا حَجَّجْتَ بِمَالٍ اَصْلُهُ سُهْتٌ فَمَا حَجَّجْتَ وَلَكِنْ حَجَّجْتَ الْبَعِيرُ

هرگاه با مالی که اصل آن حرام است به حج بروی، به حج نرفته ای بلکه این شتر است که به حج رفته است.

حج یکی از بزرگ ترین اعمال:

پیامبر اسلام (ص) می فرماید: (افضلُ الأعمالِ عندالله ايمانٌ لاشكَّ فيه و غزوٌ لا غلُولَ فيه و حجٌّ مبرورٌ) برترین اعمال نزد خدا ایمانی است که در آن شک نباشد و جهادی است که در آن خیانت و دزدی از مال غنایم نباشد و حجی است که مقبول باشد. پیامبر (ص) می فرماید: (من حجَّ فلم يرفثْ رجَعْ كَهَيْئتهِ يومَ ولدتهُ أمُّهُ) هر کس اعمال حج را گزارد و سخن ناشایسته نگفت وقتی از سفر حشش بر گردد آنگونه از گناهانش پاک می گردد که گویی تازه از مادر زاده باشد.

برای وجوب حج چند شرط وجود دارد:

- ۱- مسلمان بودن
- ۲- بالغ بودن
- ۳- عقل داشتن
- ۴- حریت و ازاد بودن



۵- استطاعت و توانایی

استطاعت دو نوع است: استطاعت مستقیم و استطاعت غیر مستقیم برای استطاعت مستقیم امور زیر لازم است.

۱- توانایی مالی، توانایی بدنی، امنیت راه

۲- وجود توشه و آذوقه ی رفت و برگشت و هزینه ی سفر خود و نفقه ی کسانی که نفقه شان بر وی واجب است در مدت رفت و برگشت.

استطاعت غیر مستقیم آن است که شخص مکلف به علت پیری و یا مریضی قادر به ادای مناسک حج و عمره نباشد ولی قادر به تامین هزینه ی کسی باشد که بجای وی در زمان حیات یا بعد از مرگش حج یا عمره را برایش انجام دهد.

ارکان و پایه های حج پنج مورد است:

رکن اول: احرام است هدف از احرام لباس احرام نیست بلکه هدف از احرام عبارت است از نیت و قصد دخول در حج یا دخول در عمره، بدان جهت احرام نامیده شده است که انسان را از ارتکاب محرمات منع می کند. در حین بستن احرام اگر قصد حج کند می گوید: (نیت الحج واحرمت به الله) یعنی نیت حج کردم و احرام به حج بستم برای خدا و اگر قصد عمره کند میگوید (نیت العمره واحرمت بها لله) نیت عمره کردم و احرام به عمره بستم برای خدا. و اگر حج برای غیر باشد نیت حج دارم برای فلان کس یا نیت عمره دارم برای فلان کس بعد از نیت تلبیه گفته شود امام نووی می فرماید: المحرم ینوی ویلبی فان لب بلا نية لم ینعقد احرامه و ان نوى ولم یلبی انعقد علی الصحیح کسی که می خواهد احرام ببندد واجب است نیت حج یا عمره را بکند و مستحب است بعد از نیت تلبیه گوید. پس اگر بدون نیت احرام تلبیه گفت احرامش منعقد نمی شود ولی چنانچه نیت احرام نمود و تلبیه نگفت بنا بر قول صحیح احرامش منعقد می شود. لازم به توضیح است که هیچ عمل عبادی بدون نیت صحیح و قبول نیست. چون پیامبر(ص) فرموده اند: (انما الاعمال بالنیات) نیت انجام هر عبادتی از جمله حج و عمره باید با قلب باشد هر چند افضل آن است که همراه با تلفظ زبانی هم باشد.



صیغه ی تلبیه این است: لبیک اللهم لبیک لبیک لا شریک لک لبیک ان الحمد والنعمه لک والملک

لا شریک لک

احرام به سه صورت انجام میشود:

۱-افراد

۲-تمتع

۳-قران

بدون اختلاف هریک از آن ها جایز است لکن اختلاف در آن است که کدام بهتر است. به صورت بسیار خلاصه صورت افراد آن است که حاجی تنها احرام به حج ببندد و چون از آن فارغ شد سپس احرام به عمره ببندد و مناسک عمره را انجام دهد.

صورت قرآن آن است که از میقات با حج وعمره هر دو با هم احرام ببندد که اعمال مناسک عمره در اعمال مناسک حج مندرج و داخل می شود.

بدلیل استمرار لباس احرام و احتمالاً ارتکاب محرمات در حج افراد و قران اغلب کشور های اسلامی و کشورمان حج را بصورت تمتع بجا می آورند. لذا در این مختصر از توضیح حج افراد و حج قران صرف نظر کرده و به بیان احکام حج تمتع می پردازیم.

تمتع

احرام به صورت تمتع این است که شخص حاجی در ماه های حج و در یکی از میقات های مکانی، احرام به عمره ببندد و نیت کند و بگوید (نویت العمره و احرمت بها لله) نیت عمره کردم و احرام به عمره بستم برای خدا و اگر برای شخص دیگری عمره را بجا آورد میگوید (نویت العمره عن فلان و احرمت بها عنه لله) نیت عمره کردم بجای فلان کس و احرام به عمره بستم بجای او برای خدا. بعد از ورود بدون توجه به طواف القدوم اعمال عمره را تماماً انجام میدهد و آن عبارت است از :

۱-هفت بار طواف خانه ی خدا

۲-سعی بین صفا و مروه

۳-حلق یا تقصیر

۴-ترتیب



حاجی بعد از فراغت از اعمال عمره از احرام بیرون می آید و تا زمان بستن احرام به حج از لذایذ مشروع استفاده کرده و محرمانی که در حال احرام بر او حرام بود حلال می شود حاجی تا روز هشتم ذی الحجه هیچ محدودیتی ندارد معمولاً اکثر مسلمانان در روز هشتم ذی الحجه احرام به حج میبندند و میقات همه ی حجاج در آن روز محل سکونت شان مکه ی مکرمه است. بر کسی که حج تمتع را انجام می دهد فدیة واجب است که باید بدهد (توضیح فدیة ها در ادامه کتاب به اطلاع خوانندگان گرامی خواهد رسید).

ارکان حج پنج چیز است:

رکن اول:

احرام که رکن اول عمره بود با شرایط فوق رکن اول حج نیز می باشد.
نکته: روز هشتم ذی الحجه (یوم الترویة) روز نهم ذی الحجه (یوم العرفه) و روز دهم ذی الحجه (یوم الاضحیه) نام دارد.

رکن دوم:

وقوف در عرفه، چون پیامبر دستور داده که حج یعنی عرفه، مقصود آن است بیشترین و بزرگ ترین ارکان درحج، عرفه است. وقوف در عرفات با حضور در یک قسمت از آن حاصل می شود ولو اینکه با عبور از انجا در طلب عبدی فراری یا گمشده یا امثال آن باشد. در هر جا که توقف کند مادامی که عرفه باشد اشکالی ندارد ایستادن در عرنه (جایی در کنار عرفات است) کافی نیست امروزه بین عرفات و عرنه با نصب تابلوی راهنما مشخص شده است. مستحب است نماز مغرب و عشا را با جمع التأخیر در مزدلفه خوانده شود با توجه به تجربه ای که بنده از وضعیت آن شب دارم تأخیر نماز مغرب و عشاء به مزدلفه خالی از اشکالات نیست. جمع بین شب و روز در عرفه مطابق عمل پیامبر است. لذا با تقلید از فتاوی علمای دین میتوان نماز مغرب و عشاء را باهم خواند مطمئناً روحانیون محترم کاروان ها این مطلب را خوب درک می کنند لازم به یاد آوری است ترک جمع شب و روز در عرفه فدیة دارد.

رکن سوم: طواف خانه ی کعبه طواف الافاضه چون اجماع بر این است که مراد از این آیه (ولیطوفوا بالبيت العتیق) باید طواف بیت العتیق، یعنی خانه خدا را طواف کنند طواف افاضه است.



طواف رکن سه نام دارد.

۱- طواف زیارت

۲- طواف صدر

۳- طواف افاضه

شرایط صحت طواف الافاضه:

۱- طهارت و پاکی از بی وضویی و جنابت

پیامبر اسلام (ص) به اسماء دختر عمیس که قاعده شده بود گفت: (اصنعی ما یصنع الحاج غیر ان تطوفی بالبيت) هر کاری که حاجیان میکنند تو نیز بکن جز طواف خانه ی خدا.

۲- پاکی از آلودگی جسمی و لباس

۳- پاکی مکان

۴- ستر عورت و پوشش با لباس پاک چون پیامبر گفته است (الطواف بالبيت صلاه الا ان الله احل قبه النطق فلا ینطق الا بخیر) طواف خانه ی خدا حکم نماز را دارد جز آنکه خداوند متعال در آن سخن گفتن را حلال کرده است پس هر کس در حین طواف سخن گوید جز نیکو و خیر نگوید.

۵- مراعات ترتیب، به این معنی که از حجر الاسود آغاز کند و خانه ی خدا در طرف چپ او واقع شود.

۶- در وقت طواف باید تمام بدنش خارج از خانه کعبه باشد و طواف بیرون از خانه ی کعبه از جمله شاذروان صورت گیرد چون شاذروان یا همان بنای چسپیده بااساس کعبه که حلقه های پرده در آن است جزء خانه ی کعبه است، چنانچه طواف کند و دستش مواز ی شاذروان باشد طوافش صحیح نیست.

۷- طواف باید خارج از حجر حضرت اسماعیل صورت گیرد.

۸- طواف باید در داخل مسجدالحرام صورت گیرد هر چند که توسعه پیدا کند.

۹- تعداد طواف باید هفت مرتبه باشد بنا بر قول صحیح پیوسته بودن هر هفت طواف به هم واجب نیست بلکه سنت است.



رکن چهارم:

سعی بین صفا و مروه است، پیامبر بعد از طواف به طرف سعی حرکت کردند و هنگامی که نزدیک صفا شدند این کلام خداوند متعال را قرائت نمودند (ان الصفا و المروه من شعائر الله) همانا صفا و مروه از نشانه های خداوند هستند، آغاز میکنم با آنچه خداوند با آن آغاز نمود. سپس از صفا بالا رفتند تا کعبه را مشاهده کردند. پس سعی بین صفا و مروه یکی از ارکان حج و عمره است. چون عملاً پیامبر چنین کرده و درحین سعی فرموده: (اسعوا فان الله تعالی کتب علیکم سعی) شما نیز سعی را انجام دهید زیرا خداوند سعی بین صفا و مروه را بر شما واجب کرده است. سعی شعاری است که در حج و عمره صورت گرفته و انجام داده می شود، شرط است که این سعی بعد از طواف صحیح صورت گیرد خواه طواف الافاضه یا طواف القدوم باشد. مراعات ترتیب سعی نیز شرط است به این ترتیب که از صفا شروع کند و در مروه خاتمه دهد چون به مروه رسید یکبار محسوب می شود و بار دوم، شروع از مروه است که چون به صفا رسید دو بار محسوب می شود و به این منوال واجب است که هفت مرتبه سعی بین صفا و مروه را بجا آورد چون پیامبر عملاً چنین کرده است. برای سعی بین صفا و مروه طهارت شرط نیست و همچنین ستر عورت و دیگر شرایط نماز شرط نیست انجام دادن سعی سواره نیز جایز است لیکن پیاده بهتر است.

رکن پنجم:

تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر است چون خداوند متعال می فرماید: (محلّین روسکم و مقصرین) در حالی که سرتان را می تراشید و موی تان را کوتاه می کنید. پیامبر اسلام (ص) فرمودند: (رحم الله المحلقین قالوا و المقصرین یا رسول الله قال والمقصرین) خداوند متعال رحم کند کسانی را که سرشان را می تراشند گفتند کسانی که سرشان را کوتاه می کنند چطور یا رسول الله؟ فرمودند و خداوند آنان را نیز رحم کند. به روایت شیخین هر یک از تراشیدن یا کوتاه کردن مو برای مردان و زنان جایز است لیکن برای مردان تراشیدن و برای زنان کوتاه کردن بهتر است و تراشیدن یا کوتاه کردن سه عدد مو کفایت می کند زمان حلق و تقصیر برای حاجی یعنی برای کسی که احرام به حج بسته است بعد از رمی جمره عقبه است و برای کسی به عمره یا تمتع احرام بسته است بعد از فراغت از سعی بین صفا و مروه است و کسی که فدیّه با خود دارد وقت حلق و تقصیر بعد از سر بریدن آن است. برای کسی که سرش طاس است و مو ندارد مستحب است چاقوی سر تراش را بر سرش مرور دهد. حلق

نباید قبل از زمان خود انجام شود موی زده شده باید نزد قسمتی از سر باشد، یعنی اگر محرم از محاسن و یا سبیل خود یا هر جایی غیر از سر مویی کوتاه کند کافی نیست. در مورد زن کوتاه کردن موی لازم است اما اجماع علما بر این است که تراشیدن سر برای زنان امر نشده است. کوتاه کردن سه عدد موی برای زنان کفایت میکند. در مذهب امام شافعی بنا بر قول صحیح عمل حلق از ارکان حج و عمره است. و دلیل آن عمل پیامبر در آنچه اصحاب صحاح در آن روایت نموده اند می باشد. (ان رسول الله (ص): حلق راسه فی حجة الوداع) رسول خدا در حجه الوداع موی سرش را تراشید.

واجبات حج به شش قسمت تقسیم می شود:

واجب اول بستن احرام در میقات مربوطه:

برای انجام مناسک حج و عمره دو میقات زمانی و مکانی مشخص شده است.

- ۱- میقات زمانی: میقات زمانی برای احرام به حج از اول ماه شوال شروع و تا شب عید قربان ادامه دارد. به اتفاق علما تمام سال زمان جواز احرام به عمره و انجام مناسک آن است.
- ۲- میقات مکانی: میقات مکانی حدود مشخص و معینی را گویند که باید احرام به حج و عمره در آن مکان بسته شود. و جائز نیست برای کسی که قصد انجام فریضه ی حج و عمره دارد بدون احرام از آن اماکن مشخص عبور نماید. از ابن عباس روایت شده پیامبر(ص) برای اهل مدینه ذوالحلیفه که مشهور است با ابیار علی برای اهل شام جحفه و برای اهل نجد قرن المنازل برای اهل یمن یلملم و فرمود اگر افراد دیگری غیر از اهل این مناطق برای انجام حج و یا عمره از میقات ایشان آمدند همان میقات محل بستن احرام آن ها نیز خواهد بود. و کسی که از جاهای نزدیک تر از مناطق مذکور بیاید همان محل سکونتش میقات او خواهد بود بنا بر این میقات حج برای ساکنان مکه خود شهر مکه است میقات عمره همان میقات حج است. ولی اگر کسی در شهر مکه بود و قصد انجام عمره را کرد واجب است برای بستن احرام از حرم مکه خارج شود و در این حکم در بین اهل مکه و مسافر تفاوتی وجود ندارد. کسی که با نیت حج یا عمره از یکی از میقاتهای مذکور عبور کند برای بستن احرام باید به میقات برگردد و اگر برگردد خونی بر او واجب می شود.



مسافت میقات ها به مکه ی مکرمه:

- ۱- ذوالحلیفه که در حدود ۴۲۰ کیلومتری شمال مکه واقع شده است. میقات مردم مدینه و کسانی است که از آن طریق به حج می روند و اکنون به ابیار علی و مسجد شجره مشهور است.
- ۲- جحفه که در حدود ۲۸۰ کیلومتری شمال مکه واقع شده، میقات اهل شام، اردن، فلسطین، سوریه، لبنان، مصر، مغرب، تونس، الجزایر، و دیگر کشورهایی که از آن طریق به حج می روند می باشد. و اکنون از رابع که نزدیک به جحفه است احرام می بندند.
- ۳- قرن المنازل که در حدود ۷۸ کیلومتری شرق مکه واقع شده میقات اهل نجد کشورهای حواشی خلیج فارس و ایران است و اکنون به (سیل کبیر) مشهور است.
- ۴- یلملم که در حدود ۱۲۰ کیلومتری جنوب مکه واقع شده میقات مردم یمن و همچنین کشورهای آسیا قرار گرفته اند مانند مالزی، اندونزی، هند، پاکستان، و دیگر کشورهای آن مسیر که اکنون به السعديه مشهور است.
- ۵- ذات عرق که حدود ۱۰۰ کیلومتری شمال شرقی مکه واقع شده میقات اهل عراق است و اکنون از ضریبه احرام می بندند. و در حال حاضر به دلیل عدم وجود راه مهجور می باشد.

واجب دوم ماندن تمام شب یا قسمتی از شب در مزدلفه:

قرآن می فرماید: (لیس علیکم جناح ان تبتغوا فضلا من ربکم فاذا افضتم من عرفات فاذکروا الله عند المشعر الحرام واذکروه کماهداکم و ان کنتم لمن الضالین) گناهی بر شما نیست که از فضل خدا و از منافع اقتصادی در ایام حج برخوردار شوید و هنگامی که از عرفات کوچ کردید خدا را در نزد مشعرالحرام یاد کنید همانطوری که شما را هدایت نمود اگر چه پیش از آن از گمراهان بودید هنگامی که فرد محرم بعد از غروب آفتاب عرفات را ترک کرد و به مزدلفه (جایی بین عرفات و منا) رسید واجب است تا بعد از نیمه شب در آنجا بگذراند و به دعا و نیایش و نماز پردازد و اگر نماز مغرب و عشا را در عرفه نخوانده است بصورت قصر و جمع التأخیر در مزدلفه بخواند و سنگ ریزه ها را در آنجا برای رمی جمرات جمع کند اندازه ی هر سنگ ریزه به اندازه ی یک نخود یا کمی بزرگتر باشد. سنگ از هر سرزمینی باشد کفایت می کند اما جمع آوری سنگ ریزه ها در مزدلفه مستحب است ماندن تا صبح در مزدلفه واجب نیست بنا بر روایتی از پیامبر همه ی مزدلفه، مشعر لحرام به شمار می رود. ترک شب ماندن در مزدلفه بدون عذر موجب دم است.



جمع التقدیم ۳ شرط دارد:

- ۱- نیت جمع قبل از نماز اولی.
- ۲- توالی بلافصل.
- ۳- ترتیب.

معذورین از مبیت (شب ماندن) در مزدلفه:

- ۱- اهل سقایه و خادمین با همه ی خدمت های ضروری
 - ۲- چوپان و محافظین چهار پایان از جمله شتر و گوسفند
 - ۳- کسانی از ترس مال در مزدلفه حاضر نشوند
 - ۴- کسی که بیمار است و یا از بیماری پرستاری می کند
 - ۵- در صورتی که حاجی یکی از عذر های فوق الاشاره یا شبیه آن را داشته باشد و نتواند در اوقات شرعی، شب در مزدلفه بماند و به لحاظ ضرورت مجبور به ترک مبیت شود جزء معذورین بوده و فدیة بر او واجب نیست و خللی در صحت حج ایجاد نمی شود.
- جلو انداختن زنان و کودکان و ضعفا بعد از نصف شب عید از مزدلفه بسوی منا مستحب است تا این افراد قبل از از دحام رمی جمره ی عقبه را انجام دهند چون پیامبر این کار را کرده اند بصورت استحباب حجاج قبل از طلوع خورشید به منا حرکت می کنند و هنگام رسیدن به وادی محسّر که بین مزدلفه و منا واقع است با سرعت بیشتر حرکت می نمایند چون درّه محسّر محل نزول عذاب الهی بر سپاه ابرهه و اصحاب فیل است و پیامبر در آن سریع حرکت کردند در مسیر حرکت تا رمی جمره عقبه تلبیه گفتن مستحب است.

واجب سوم رمی جمرات سه گانه:

فرد محرم بعد از وقوف در عرفات و شب ماندن در مزدلفه واجب است به آخر منا در جهت مکه رفته و شیطان بزرگ را که به جمره ی عقبه معروف است با پرتاب هفت سنگ آن را سنگ سار نماید و در ایام تشریق (سه روز بعد از عید) رمی جمرات سه گانه شروع می شود و زمان رجم جمرات از وقت نماز ظهر تا غروب آفتاب است. بعضی از علمائ شافعیه از جمله امام الحرمین و امام رافعی (رحمهما الله) فرموده اند رمی جمرات قبل از ظهر هم درست است اما کسی که موفق به رجم



شیطان ها در این زمان نشود می تواند بعد از غروب این کار را انجام دهد و می تواند بدون فدیة آن را تا روز دوم به تأخیر اندازد باید در رمی جمرات ترتیب لحاظ شود یعنی از شیطان کوچک آغاز شود و با شیطان بزرگ خاتمه یابد. چنانچه سنگ ریزه را در جمره ها قرار دهد و آن ها را آنجا بنهد بنابر قول صحیح قبول نیست چون نهادن سنگ انداختن سنگ نیست شرط است که به قصد جمره ها سنگ اندازد پس چنانچه سنگ ها را در هوا انداخت و بر جمره ها افتاد قبول و معتبر نیست. شرط است که حاجی سنگ ریزه ها به دست خود اندازد پس چنانچه سنگ ها را با پای خود یا با کمان و فلاخن اندازد جایز نیست و شرط است که هفت عدد سنگ را در هفت مرتبه پرتاب کند پس اگر دو الی هفت سنگ را به یک باره انداخت یک سنگ به حساب می آید. اگر حاجی بعلت بیماری یا غیر آن از انداختن سنگ ها عاجز باشد کسی را بجای خویش تعیین کند که بجای او رمی جمرات کند. بشرط اینکه شخص نائب خود سنگ انداخته باشد و الا جایز نیست که بجای او سنگ اندازد کند.

واجب چهارم ماندن در منی:

سه روز بعد از عید قربان ایام تشریق و ایام المعدودات نامیده می شود و ده روز اول ذی الحجه را ایام المعلومات گویند حاجیان که در روز های ایام التشریق رمی جمرات را انجام می دهند و در شب های آن هم در منی مانند اصطلاحاً بیتوته می گویند. ماندن شبها در منی در اختیار حجاج است یا شب یازدهم و دوازدهم در منی بیتوته می کنند یا شب یازدهم، دوازدهم و سیزدهم بیتوته می کنند. خداوند فرموده است: (واذکروا الله فی ایام معدودات فمن تعجل فی یومین فلا اثم علیه و من تأخر فلا اثم علیه) و در سه روز مشخصی (که سه روز ایام تشریق یعنی یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ماه ذی الحجه است به سر می برند) و اگر کسی (عبادت سه روزه را در دو روز اول ایام التشریق انجام دهد) و شتاب نماید گناهی بر او نیست که به مکه برگردد و مبیت شب سوم رمی جمرات روز سوم ایام التشریق را ترک نماید گناهی بر او نیست و کسی که ماندگار شود و از رخصت استفاده نکند گناهی نخواهد داشت ماندن در شب های ایام التشریق (دو شب یا سه شب) واجب است و ترک آن فدیة دارد و بدون عذر ترک بیتوته در منی جایز نیست قدر واجب بیتوته در منی معظم دو شب اول از ایام التشریق می باشد یعنی بر حاجی واجب است بخش بیشتر و اعظم در شب ایام التشریق را در صحرای منی بماند و از آن خارج نشود.



واجب پنجم طواف الوداع:

فقها متفقند بر این که شخص مکی و یا آفاقی اگر در مکه مسکن گزیند و از آن خارج نشود طواف وداع بر او واجب نیست. هنگامی که حاجی تمامی مناسک را ادا کرد و اعمال حج را به جا آورد قبل از خروج از مکه واجب است بنا به قول صحیح امام شافعی برای آخرین بار کعبه را طواف نماید زیرا امام بخاری از انس روایت کرده است هنگامی که پیامبر از اعمال حج فارغ شدند طواف وداع را بجا آوردند این طواف از زنانی که در زمان قاعدگی هستند ساقط می شود اگر حاجی بعد از طواف وداع سریعاً مکه را ترک نکرد و بدون عذر و یا با عذری که مربوط به سفر حج نمی باشد مانند عیادت بیمار یا رفتن به فروشگاه و مغازه ها برای خرید کالا در مکه ماند هر چند زمان کوتاه باشد تکرار طواف وداع بر او واجب می شود. ضمناً طواف وداع بدون لباس احرام و با لباس همیشگی خود انجام می شود و بعد از طواف وداع سعی بین صفا و مروه انجام نمی شود ترک طواف وداع بدون عذر موجب دم است.

واجب ششم اجتناب از محرّمات در حال احرام:

که در ادامه به توضیح محرّمات می پردازم.

نکته ی اول: هر چه برای حج رکن است برای عمره نیز رکن می باشد جز وقوف در عرفات.

نکته ی دوم: عمره دو واجب دارد واجب اول احرام در میقات، واجب دوم اجتناب از محرّمات.

نکته ی سوم: فرق میان ارکان و واجبات حج آن است که اگر یکی از ارکان حج و عمره ترک شود با فدیّه (ذبح گوسفند یا گرفتن ده روز روزه که سه روز آن در مکه و هفت روز دیگر آن بعد از بازگشت به وطن است) جبران نمی گردد در حالی که هر گاه یکی از واجبات حج و عمره ترک شود با فدیّه جبران می گردد. پس ترک یکی از ارکان پنجگانه، حج را باطل می کند. اما ترک یکی از واجبات خللی در صحت حج و یا عمره ایجاد نمی کند.

قال رسول الله (ص): (من ترک نسکا فعليه دم) روا ابن عباس. هرکس نسکی (واجبی) از مناسک

حج را ترک کند بر او واجب است که خون بریزد.

محرّمات احرام:

چیز هایی که بر حاجی و یا عمره گذارد در حال احرام حرام است عبارتند از:

۱- پوشیدن لباس دوخته برای مردان



۲- پوشیدن از سر برای مردان

۳- پوشاندن چهره و روی برای زنان

۴- برای کسی که در حال احرام است حرام است که مویش را شانه کند یا آن را از هم رها کند یا با ناخن آن را بخاراند چنانچه بداند که به علت انباشته بودن موهایش با شانه کردن و خاراندن مویی از آن کنده شود.

۵- در حال احرام از اله موی یا تراشیدن حرام است چون خداوند متعال فرموده است (ولا تحلقو روسکم حتی يبلغ الهدی محله) تا اینکه هدیه ی قربانی به محلش می رسد سرتان را نتراشید.

۶- از اله و گرفتن ناخن نیز حکم از اله ی موی را دارد فرق نمی کند کوتاه کردن باشد یا بریدن بوسیله ی دندان و یا وسایل دیگر و امثال آن چون علما بر حرام بودن آن به هر شکل اجماع دارند.

۷- استعمال مواد خوشبو در جامه و بدن چون مواد خوشبو رفاهیت است و با روح احرام ساز گاری ندارد و حاجی باید ژولیده و غبار آلود باشد.

۸- کشتن حیوانات شکاری خشکی، شکار عبارت است از حیوان جاندار وحشی که طبعاً گرفتن آن ممکن نیست مگر با حيله و نیرنگ خواه اهلی باشد یا خیر. در اینکه صید حرام است فرقی نمی کند حیوان باشد یا پرنده، چون به هر حال نام صید و نخجیر بر آن اطلاق می شود و همان گونه که کشتن آن حرام است شکار کردنش نیز حرام است به دلیل قول خداوند متعال (وحرّم علیکم صیدالبر مادتم حرمًا) تا زمانی که در احرام باشید شکار کردن در خشکی برای شما حرام است اگر چه گوشتش خوردنی و حلال باشد اما اگر گوشتش حلال نباشد تعرض به آن حرام نیست و چنانچه در احرام به قتل هر جانوری اقدام کرد که گوشتش حلال نیست بر او فدیّه واجب نیست.

۹- عقد نکاح، کسی که در احرام است نه کسی را به نکاح خویش در می آورد و نه به کسی نکاح می بندد.

۱۰- جماع با همه ی انواعش

۱۱- استمنا

۱۲- مقدمات جماع و مباشرت با شهوت

۱۳- کندن درختان



۱۴- کندن گیاهان

۱۵- روغن و رنگ مالیدن به موی سر و ریش.

شروط حرام بودن محرّمات:

۱- علم به حرام بودن آن: یعنی نسبت به اینکه آن فعل حرام است آگاهی داشته باشد.

۲- تعمّد: یعنی با قصد و عمد آن را مرتکب شود.

۳- عقل: یعنی در حین ارتکاب محرّمات عقل از او زایل نشده باشد.

۴- بلوغ: رسیدن به سن رشد.

۵- اختیار: یعنی به انجام و ترک آن قادر باشد پس اگر جاهل یا ساهی یا دیوانه یا بچه یا شخصی مجبور، یکی از محرّمات را انجام دهد تکلیفی ندارد و اثری بر آن مترتب نیست باید دانست که همه ی محرّمات احرام فدیّه ندارد و ارتکاب همه ی آن ها موجب گناه نیست بلکه به چهار قسم زیر تقسیم می شوند.

قسم اول: امور محرّمی که انجام آن گناه است ولی فدیّه ندارد مانند عقد نکاح، نظر به شهوت، کمک در کشتن کشتار، کمک در کندن درختان با دادن اسباب و امثال آن، ترساندن شکار، خوردن گوشت شکاری که دیگری آن را کشته است.

قسم دوم: آنچه مباشرت آن فدیّه دارد ولی گناه نیست (هر چند بعضی از فقها آن را گناه می دانند) مانند از اله ی مو، گرفتن ناخن، مرد سر خود را به سبب عذر موجه بپوشاند (زحم و مرض)، زن صورت را به سبب گرما و سرما بپوشاند، تلف کردن شکار بدون قصد اتلاف یعنی به سبب ترساندن و ذبح کردن به واسطه ی شدت گرسنگی و امثال آن.

قسم سوم: آنچه ارتکابش نه گناه است نه فدیّه دارد مانند از اله موی ابرو یا موی سر اگر به قدری بلند است که جلوی چشم را بگیرد از اله ی موی چشم (مژه) یا ناخن شکسته که موجب اذیت باشد. کشتن صیدی که حمله کند، پایمال کردن ملخ که راه تردد را بسته باشد، و بالاخره آنچه برای رفع احتیاج مباح است و آنچه برای رفاه حال از روی فراموشی یا به اکراه یا به علت علم نداشتن به حرمت آن مرتکب شود.

قسم چهارم: آنچه ارتکابش هم گناه است و هم فدیّه دارد که شامل بقیه محرّمات می شود.



فدیه ها

کل فدیه ها بیست یک مورد میباشد و به اعتبار احکام چهار قسم است.

۱- فدیه ترتیبی تقدیری:

ترتیبی آن است که تا از واجب اول عجز حاصل نشود عدول به سوی واجب دوم جایز نیست، و تا از دومی هم عجز حاصل نشود عدول به واجب سوم صحیح نمی باشد. تقدیری یعنی مقداری که از واجب اول به سوی آن عدول می شود در شرع معین و مقدر شده است پس فدیه ی ترتیبی تقدیری عبارت است از ذبح یک حیوان و اگر نتوانست ده روز، روزه بگیرد که سه روز آن هنگام حج پس از احرام و پیش از روز عید و هفت روز دیگر پس از باز گشت به وطن گرفته شود. روزه گرفتن پشت سر هم در هنگام حج واجب نیست و تأخیر دو روز اول کلاً یا بعضاً از روز عید حرام است زیرا تأخیر آن از وقت خود موجب قضا است و تأخیر فریضه از وقت خود عمداً که منجر به قضا گردد حرام است.

فدیه ترتیبی تقدیری در نه مورد واجب است:

- ۱- فدیه تمتع
- ۲- فدیه ی حج قران
- ۳- فدیه عدم جمع شب و روز در عرفات (فوات)
- ۴- فدیه ترک احرام از میقات
- ۵- فدیه ترک سنگریزه ها
- ۶- فدیه ترک بیتوته در منی
- ۷- فدیه ترک طواف الوداع
- ۸- فدیه ترک منذور
- ۹- فدیه ترک مبیث در مزدلفه



۲- فدیة ی ترتیبی تعدیلی:

(تعدیلی یعنی تقویمی تبدیل به قیمت) تعدیلی یعنی هرگاه از مقدار واجب عاجز شود مقدار واجب اول تعدیل می شود یعنی آن را معین نموده و به آن عدول می شود که معادل قیمت آن طعام خرید و صدقه می دهد. اگر از صدقه نیز عاجز باشد عوض هر یک مد یک روز روزه می گیرد. فدیة تعدیلی در دو مورد واجب می گردد:

۱- فدیة جماع (عامدا، عالما)

۲- فدیة احصار (باز ماندن از حج به علت موانع)

فدیة ی جماع عبارت است از ذبح یک شتر پنج ساله (بدنه) نر یا ماده که دارای صفات قربانی باشد در غیر این صورت هفت گوسفند و اگر آن هم نشد معادل یک شتر پنج ساله بعنوان صدقه اطعام کند اگر تصدق هم ممکن نباشد به عوض هر یک مد باید یک روز را روزه بگیرد و فدیة ی جماع بر عهده ی وطی کننده است نه بر وطی شونده و بنا بر قول معتمد وطی کننده علاوه بر فدیة باید نسک باطل شده را هم اعاده کند زیرا از لحظه ای که نسک آغاز می شود به فرض واجب مبدل می گردد و قضای آن واجب است. توضیح اینکه مقاربت و جماع در حج وقتی حج را باطل می کند و موجب قضای آن در سال دیگر می شود که مقاربت قبل از تحلیل اول باشد و اگر در بین تحلیلین واقع شود حج باطل نمی شود اما موجب فدیة است.

۳- فدیة تخییری تقدیری:

تخییری یعنی فدیة دهنده مختار است هر کدام از مقادیر تعیین شده که بخواهد فدیة بدهد و آن عبارت است از ذبح یک گوسفند و تصدق دادن سه صاع از قوت خوراک محل به شش نفر از مساکن حرم به هر کدام نیم ساع و یا گرفتن سه روز روزه البته لازم نیست این روزه ها را پشت سر هم بگیرد در صورت تکرار ارتکاب محرمات فدیة نیز تکرار می شود. فدیة یک مو یک مد است و فدیة دو مو دو مد است و فدیة ی سه مو فدیة کامل است. فدیة ی گرفتن ناخن مانند فدیة مو است.

فدیة تخییری تقدیری برای هشت مورد زیر واجب است:

۱- از اله ی گرفتن حد اقل سه مو

۲- گرفتن حد اقل سه ناخن



۳- استعمال عطر و مواد خوشبویی که حرمت آن در حالت احرام مقرر شده است.

۴- روغن مالیدن به مو

۵- پوشیدن لباس مخیط و محیط

۶- مقدمات جماع

۷- استمناء

۸- فدیة ی جماع غیر مفسد (بین تحلیلین)

۴- فدیة تخییری تعدیلی:

یعنی تقویمی به اختیار فدیة دهنده و آن عبارت است از ذبح یا قیمت آن، یعنی معادل آن طعام خریده و صدقه بدهد، یا به عوض هر مد از آن روزه بگیرد.

فدیة تخییری تعدیلی در دو مورد واجب می گردد:

۱- فدیة شکار: عبارت است از آنکه اگر شکار مقتول در بین حیوانات اهلی نمونه داشت، نمونه آن را فدیة می دهد. مثلاً در برابر کشتن آهو یک گوسفند را ذبح می کند و در برابر کشتن خر وحشی یا گاو وحشی گاوی ذبح می کند یا قیمت آن را برآورد می کند و با قیمت آن طعام را خریداری کرده و در میان فقرا ی حرم تقسیم می کند و یا در برابر هر مدی از آن طعام یک روز روزه بگیرد و اگر شکار مقتول نمونه ی اهلی نداشت مانده تمام پرندگان جز کبوتر، با قیمت آن طعام خریداری کرده و در میان فقرا ی حرم تقسیم می کند. یا در برابر هر مد از آن، یک روز روزه می گیرد و در مقابل کشتن یک کبوتر باید یک گوسفند را ذبح کند و یا در برابر هر مدی از آن یک روز، روزه بگیرد.

۲- فدیة ی کندن درخت: فدیة کندن یک درخت برابر با ذبح یک گوسفند است.

لازم به ذکر است برای وجوب فدیة در محرماتی که مقصود از ارتکاب آن ها اتلاف محض است، مانند کشتن شکار و قطع درخت، و یا اتلاف در آن غلبه دارد مانند از اله ی مو و گرفتن ناخن در این موارد به سه شرط فدیة واجب می شود.

۱- تمیز

۲- عقل





۳-اختیار

و اما در بقیه ی محرمات عمد و علم شرط است.

سنت های حج

عمده سنت های حج به قرار زیر می باشد:

- ۱- غسل احرام
- ۲- غسل برای ورود به مکه
- ۳- غسل برای وقوف در عرفات
- ۴- غسل در مزدلفه
- ۵- غسل برای رمی جمرات در ایام تشریق
- ۶- استعمال بوی خوش پیش از احرام و پس از غسل احرام
- ۷- تلبیه گفتن
- ۸- تکرار تلبیه
- ۹- درود و صلوات بر محمد و آل محمد
- ۱۰- طواف القدوم برای حج افراد
- ۱۱- وقوف در مشعر الحرام که کوهی است در قسمت آخر مزدلفه
- ۱۲- آشامیدن آب زمزم
- ۱۳- خواندن ادعیه و اذکار مخصوص هر یک از اوقات و مکان های مقدس
- ۱۴- نمازهای چهار رکعتی را شکسته بخواند در جاهایی که به آن سفارش شده است
- ۱۵- ادعیه و اذکار در تمام سنت های طواف

مهم ترین سنت های طواف عبارتند از :

- ۱- شروع طواف با بوسیدن یا مالیدن دست و پیشانی یا اشاره ی به حجر الاسود.



- ۲- تکرار بوسیدن یا مالیدن دست و پیشانی یا اشاره در هنگام شروع هر دور از طواف.
 - ۳- استلام رکن یمانی با دست یا چوب و یا اشاره.
 - ۴- بوسیدن دست خود پس از استلام رکن یمانی.
 - ۵- رمل برای مردان (جست و خیز کردن در سه دور اول طوافی که بعد از آن سعی انجام شود) و چهار دور باقی به مشی عادتی حرکت کند.
 - ۶- اضطباع در سعی و در طوافی که در رمل است (یعنی وسط ردا را زیر بغل راست جمع کرده و در هر طرف آن را بر روی شانه ی چپ بیاندازد).
 - ۷- نزدیک شدن مرد به بیت در هنگام طواف اگر موجب زحمت دیگران نشود.
 - ۸- خواندن دو رکعت نماز در پشت مقام حضرت ابراهیم.
- این حدیث شریف به عنوان حسن ختام مطالب آورده می شود:
- انجا که پیامبر فرمود: (من زارنی بعد وفاتی فکانما زارنی فی حیاتی) یعنی هر کس مرا در حال وفاتم زیارت کند مانند آن است که در حال حیات مرا زیارت کرده است لذا یکی از مستحبات مدینه‌ی منوره زیارت پیامبر و روضه‌ی مطهره و خاندان پیامبر و از واج طاهرات و یاران پیامبر در بقیع است. زیارت شهدای احد بویژه حضرت حمزه سیدالشهدا و دو رکعت نماز در مسجد قبا نیز از مستحبات است.



جلسه هشتم

قربان:

در روز عید قربان انسان هیچ عملی را انجام نمی‌دهد که نزد خداوند از ریختن خون محبوب‌تر باشد، بی شک در روز قیامت آن حیوان با شاخ و موها و سم‌هایش بر ترازوی اعمال آن انسان سوار می‌شود و خون آن قبل از ریختن بر زمین نزد خداوند در جای خودش قرار می‌گیرد.

چهار حیوان (نر و ماده) برای قربان درست است:

۱- گوسفند یک ساله و بزرگ تر

۲- بز دو ساله و بزرگ تر

۳- شتر پنج ساله و بالاتر

۴- گاو دو ساله و بالاتر

جز این چهار حیوان هیچ حیوان دیگری برای قربانی جایز نیست و نیز اگر حیوانات مذکور سنشان کمتر از آنچه گفته شد، باشد برای قربانی صحیح نخواهند بود.

یک شتر برای قربانی هفت نفر و یک گاو هم برای هفت نفر درست است و کفایت می‌کند.

گوسفند و همچنین بز برای یک نفر کفایت می‌کند.

چهار حیوان هستند که برای قربانی کردن درست نیستند

۱- کور آشکار (حیوانی که به صورت واضح یک چشمش کور باشد)

۲- حیوانی که به صورت آشکار لنگ باشد



۳- حیوان مریضی که بیماریش واضح باشد

۴- حیوانی که بخاطر لاغری مخش رفته باشد و نمانده باشد، بنابر این حیوان گنج هم برای قربانی صحیح نیست.

نکته: حیوانی که قربانی می شود نباید چنین نقصی داشته باشد که باعث کم شدن گوشت شود بنابراین حیوان حامله و حیوان دارای گری برای قربانی درست نیستند ولی نزد چند تن از علما درست است، حیوان حامله قربانی شود به شرطی که حامله شدنش باعث لاغری نشده باشد.

- حیوان اخته و شاخ شکسته برای قربانی درست هستند

- حیوان گوش بریده درست نیست؛ هر چند که بخش کمی از گوشش قطع شده باشد

- حیوان دم بریده، دنبه بریده و پستان بریده برای قربانی جایز نیست، هر چند که بریده شده کم باشد و اگر بخش بیشتر دندان هایش افتاده باشد برای قربانی درست است؛ یعنی هر چند که دندان های افتاده بیشتر از دندان های مانده باشد.

وقت ذبح قربانی از زمان نماز عید فرا می رسد، یعنی از هنگامی که آفتاب به اندازه نیزه ای بلند می شود و تا غروب آفتاب آخرین روز ایام التشریق ادامه خواهد داشت، یعنی روز سوم بعد از عید، بنابراین مدت قربانی چهار روز است.

در وقت ذبح پنج چیز سنت است:

۱- گفتن بسم الله

۲- فرستادن صلوات بر پیامبر(ص)

۳- رو کردن حیوان در جهت قبله

۴- گفتن الله اکبر و دعا کردن برای قبول شدن

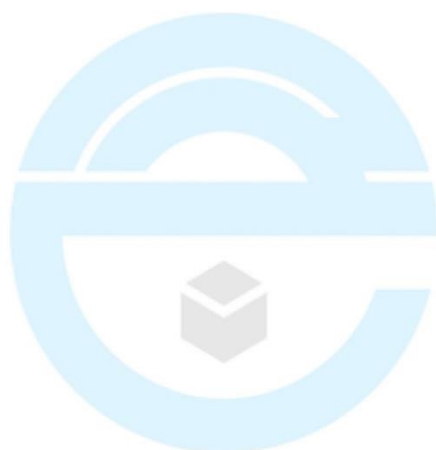
نباید قربانی کننده و بچه هایش از قربانی نذر شده هیچ چیزی بخورن و نذر شده، آن است که گفته باشد نذر باشد قربانی بکنم، یا گفته باشد بر من واجب باشد که این حیوان را قربانی کنم، بنابراین باید پوست و کله و پاهایش را هم صدقه کند.

درست است قربانی کننده و بچه هاش از قربانی سنت بخورند؛ و بهتر است جگر آن را بخورند و بقیه را به مردم بدهد. و می تواند بیشتر هم بخورد، ولی سنت است بیشتر از یک سوم آن را نخورد. نباید هیچ بخشی از قربانی را بفروشد و نیز نباید هیچ بخشی از آن را به عنوان دستمزد به ذبح کننده بدهد.



لازم است قربانی را به صورت خام به فقرا و مساکین مسلمان بدهد و صحیح است قربانی سنت به ثروتمندان داده شود، یعنی قربانی نذر شده به آنان داده نمی شود.

نیت قربانی واجب است بنابراین صحیح نیست نفری بدون اجازه برای نفر دیگر قربانی بکند، و لی اگر مرده وصیت کرده بود برایش قربانی شود شخصی که برای او قربانی می کند باید بجای مرده نیت کند و نباید آن را بخورد و به ثروتمندان بدهد. در کتاب مغنی ج ۴ ص ۲۹۳ آمده که قربانی کردن برای مرده و لو وصیت نکرده باشد صحیح است.



مجلس شورای اسلامی ایران
مدیریت اهل سنت



جلسه نهم

ذبح:

حیوانات و پرندۀ ای که انسان قادر به ذبح آن باشد، ذبحش در حلق (قسمت بالایی گردن) یا در زیر گردن است.

اگر به خاطر وحشی بودن و عدم دسترسی به حیوان یا افتادن در چاه انسان قادر به ذبح آن نبوده، ذبح آن عبارت است از زخمی کردنی که سبب نزع روح بشود، در هر جایی از بدنش که انسان بر آن قادر شود؛ یعنی با این کشتن حلال خواهد شد.

در ذبح چهار چیز سنت است که عبارت‌اند از بریدن نای و مری و دو رگ دو طرف گردن. آنچه که موجب حلال شدن حیوان سر بریده است دو چیز است: قطع نای و مری، یعنی با بریدن این دو چیز حیوان ذبح شده حلال می‌شود.

- ذبح کردن حیوان و پرندۀ با هر چیز برندۀ ای جز ناخن و دندان درست است، مانند چوب، سنگ، آهن و شیشه

- ذبح شده ی هر مسلمان و هر یهودی و هر مسیحی ای درست است

- ذبح شده مجوسی (آتش پرست) و بت پرست و دیگر کفار و مرتد حلال نیست

- ذبح جنین داخل شکم حیوان با ذبح مادرش است مگر اینکه بعد از ذبح مادرش زنده باشد.

هر عضوی از حیوان یا پرندۀ، زنده جدا شود مردار محسوب می‌شود، زیرا حیوان یا پرندۀ ذبح نشده است، جز مو و پشم و پر.



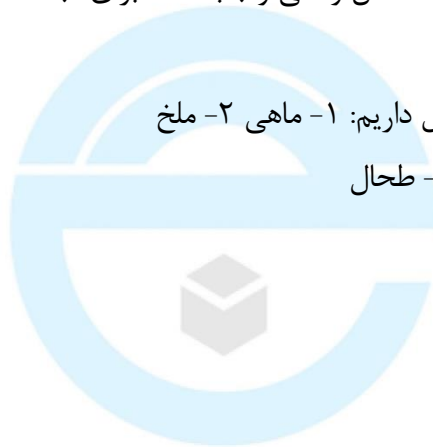
خوراک حلال و حرام

در میان حیوانات حیوانی که دارای دندان تیز باشد که با آن بر حیوانات دیگر چیره شود، مانند شیر، پلنگ، سگ، خرس، گربه، فیل، خوک و ... حرام است.
درمیان پرندگان پرنده ای که دارای چنگ نیرومندی باشد که بتواند با آن زخمی بکند مانند باز، شاهین، جوجه ربا، کرکس و ...

خوردن مردار

کسی که در شدت گرسنگی است حلال و حتی واجب است برای نجات خود از مرگ از مردار حرام شده چند لقمه بخورد.

ما مسلمانان دو حیوان مرده ی حلال داریم: ۱- ماهی ۲- ملخ
دو خون حلال هم داریم: ۱- کبد ۲- طحال



کتابخانه دیجیتال
مدیریت اهل سنت



جلسه دهم

اعتکاف:

اعتکاف به معنی ماندن در مسجد به نیت عبادت است، اعتکاف در همه ی اوقات سنت مؤکد است ولی پاداش آن در دهه ی آخر رمضان بیشتر از دیگر اوقات است به روایت صحیح، پیامبر(ص) تاحین ارتحال هر سال دهه ی آخر رمضان در مسجد اعتکاف می کرد دلیل برتری این ده شب بر دیگر اوقات وقوع شب قدر است، میل امام شافعی به این است که ليله القدر شب بیست و یکم یا بیست و سوم ماه رمضان است و بعضی دیگر از علما فرموده اند شب بیست و هفتم است و به قول جمع دیگری ليله القدر در شب های فرد دهه ی آخر رمضان است و مستحب است در شب قدر این ذکر خوانده شود (اللهم انک عفو تحب العفو فاعف عني).

شرایط اعتکاف

اعتکاف دارای دو شرط است

۱- نیت اعتکاف

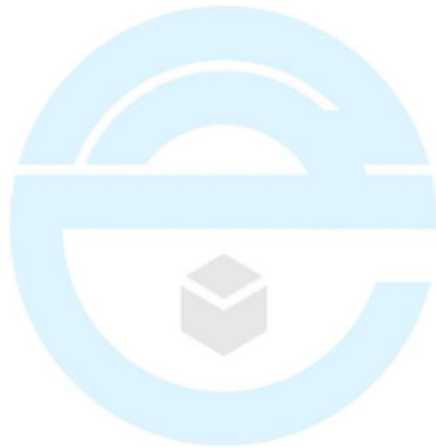
۲- ماندن در مسجد اگر چه زمان ماندن کوتاه باشد

اعتکاف تنها در مسجد درست است زیرا پیامبر(ص) و یارانش در مسجد اعتکاف کرده اند و آیه (ولا تباشروهن وانتم عاکفون فی المساجد) دلیل این موضوع است یعنی در وقت اعتکاف در مسجد با زنان جماع و شوخی نکنید،





اگر شخصی برای انجام دادن اعتکاف نذر شده وارد مسجد شد تا بعد از پایان زمان اعتکاف نباید جز برای دفع حاجت یا غسل و یا وجود عذر مانند آمدن خون حیض یا وضع حمل یا مریضی که با وجود آن نتواند در مسجد بماند از مسجد خارج شود. اعتکاف با جماع کردن و شوخی کردنی که باعث خروج منی شود باطل می شود.



کمیسیون تخصصی احکام
مدیریت اهل سنت



جلسه یازدهم

قسم و نذر

قسم

قسم تنها با ذات خداوند و اسمی از اسماء و صفتی از صفات او منعقد می شود. کسی که به صدقه ی مالش یا به عبادت دیگری قسم بخورد این قسم خورنده در بین صدقه و پرداخت کفاره قسم صاحب اختیار خواهد بود. در قسم لغو چیزی واجب نیست.

کسی که سوگند بخورد کاری را انجام نمی هد. مثلا بگوید بخدا سوگند این خانه را به تو نمی فروشم یا به تو درس نمی گویم بعد به نفری دستور بدهد آن را انجام دهد قسمش شکسته نمی شود.

کسی سوگند بخورد کاری را انجام نمی دهد مثلا بگوید: بخدا قسم این دو پیراهن را به تو می فروشم بعد یکی از آن ها را انجام دهد یعنی یکی از پیراهن ها را به او بفروشد قسمش شکسته نخواهد شد.

کفاره ی شکست قسم این است که در بین سه فعل یکی از آن ها را انجام دهد.

۱- از اد کردن برده ی مومن

۲- طعام دادن به ده مسکین و فقیر به هر یک از آن ها یک مد دانه (۶۵۰ گرم)



۳- دادن ده لباس به ده مسکین و فقیر. فرقی نیست آن لباس پیراهن باشد یا شلوار یا زیر پیراهن ولی دادن جوراب و کفش درس نیست. اگر هیچ یک از آن سه چیز را نیافت باید بانیت کفاره‌ی قسم سه روز، روزه بگیرد.

نذر

نذر عبارت است از اینکه شخص عبادت غیر واجبی را بر خود واجب کند. نذر دو نوع است:

۱- «نذر اللجاج» یعنی نذر عصبانیت و لجاجت.

۲- «نذر التبرر» (احسان کردن) است. این قسم دارای اجر است.

{كقوله ان شفى الله مريضى فله على ان اصلى او اصوم او اتصدق} مثلا بگویند اگر خدا بیمارم راشفا دهد یا به من پسری بدهد بر من واجب باشد نماز بخوانم یا روزه بگیرم صدقه دهم. بعد اگر مرادش حاصل شد آنچه اسم نذر بر آن واقع شود بر نذر کننده واجب می شود، یعنی باید حد اقل دو رکعت نماز بخواند یا یک روز را روزه بگیرد و یا چیز کمی را صدقه کند.

{ولا نذر فى معصيه} در گناه نذر وجود ندارد. مثلا بدون آنکه حق داشته باشد بگوید: اگر فلان نفر را کشتم بر من برای خدا فلان چیز باشد.

بر ترک و انجام دادن کار مباح و حلالی که به عبادت ربطی ندارد نذر واجب نمی شود. مثلا بگوید: بر من نذر باشد گوشت نخورم، شیر ننوشم و چیزی که شبیه این است، مانند، بر من نذر باشد بخوابم یا این انگور را بخورم.

عن ابن عباس (رضی الله عنهما) ان النبى رای رجلا قائما فى الشمس فقالو: {انه نذر ان يقوم و لا يقعد ولا يستظل ولا يتكلم و يصوم، فقال: مره فليتكلم ويستظل وليقعد وليتم صومه} پیامبر مرد ایستاده ای در افتاد دید، گفتند: نذر کرده است بیاستد و نشیند و به سایه نرود و حرف نزند و روزه بگیرد، پیامبر فرمود حرف بزند، به سایه برود، بنشیند و روزه اش را به پایان برساند.



جلسه دوازدهم

امر به معروف و نهی از منکر:

در فقه اسلامی، احکام الهی و نیز اعمالی که از انسان صادر می شود به پنج بخش تقسیم می گردد:

۱- واجب ۲- مستحب ۳- مباح ۴- مکروه ۵- حرام

بجز مباح که انجام و ترک آن مساوی است چهار قسم دیگر را می توان تحت دو عنوان « باید ها » و « نبایدها » مطرح کرد که هر کدام به دو بخش الزامی و ترجیحی تقسیم می شوند.

- بایدهای شرع مقدس اسلام واجبات و مستحبات، عبارت است از مجموعه اعمال و گفتارهایی که حسن و خوبی آن مورد امضاء و تائید شارع قرار گرفته باشد که از آن به معروف تعبیر می شود.

- نبایدهای شرع مقدس اسلام محرمات و مکروهات، عبارت است از آن سلسله گفتارها و کردارهایی که شرع و عقل آن ها را قبیح و ناپسند شمرده است که از آن به منکر تعبیر می شود.

با این توضیح کوتاه می بینیم امر به معروف و نهی از منکر، که موضوع بحث ما بصورت اختصار است در برگیرند همه‌ی بایدها و نبایدها است و هر یک از واجبات و محرمات به نحوی با این دو فریضه ارتباط مستقیم دارد چون قوام شریعت در سایه امر به معروف و نهی از منکر است.

امام علی (ع) می فرماید: قوام و جوهر وجودی شریعت امر به معروف و نهی از منکر است بنابراین می توان گفت امر به معروف و نهی از منکر با مقایسه با دیگر تکالیف شرعی به منزله خون در رگ های پیکره احکام الهی جریان دارد و حیات و بقای آن ها را تضمین می کند.

برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر باید معروف و منکر را شناخت و دانست که چه کاری در محدوده معروف قرار دارد تا امر به آن لازم باشد و چه کاری در محدوده منکر قرار دارد تا نهی از آن واجب باشد از این رو آنانی که بدون شناخت صحیح مصادیق معروف و منکر، دیگران را امر و نهی می کنند نه تنها ممکن است خدمتی انجام ندهند بلکه چه بسا باعث گمراهی دیگران نیز می شوند.



حضرت امیر مؤمنان خطاب به کمیل بن زیاد فرمود: {ما من حرکه الا وانت محتاج فیها الی معرفه} در هر حرکتی به معروف و شناخت نیازمندی.

از امام صادق (ع) سوال شد آیا امر به معروف و نهی از منکر بر همه واجب است؟ امام فرمود: بر همه واجب نیست زیرا {انما هو علی القوی المطاع العالم بالمعروف من المنکر لا علی الضعیف الذی لا یهدی سبیلا} این تکلیف بر عهده کسی است که توانمند، مورد اطاعت و عالم به معروف و منکر باشد، نه فرد ضعیفی که خود، راه به جایی نمی برد، امام (ع) با آوردن کلمه انما که بر حصر دلالت دارد امر به معروف و نهی از منکر را فقط بر عهده کسی می داند که دارای سه ویژگی به شرح زیر باشد:

۱- قوی باشد.

۲- مطاع باشد یعنی حرفش خریدار داشته باشد.

۳- آگاهی کامل به مصادیق معروف و منکر داشته باشد تا ناخواسته نهی از معروف و امر به منکر نکند.

می توان گفت بهترین معیار و ملاک شناخت امر به معروف و نهی از منکر را درسه راه جستجو کرد .

۱- شرع مقدس

۲- عقل سلیم

۳- فطرت پاک

چون هر چیزی که شارع مقدس مردم را به آن تشویق کرده و عقل آن را پسندیده و فطرت پاک آن را پذیرفته معروف است و هر چیزی که شارع مقدس آن را نهی کرده و عقل و فطرت آدمی آن را ناپسند و ناخوشایند شمرده منکر و زشت است.

گستره‌ی معروف

برخی از مصادیق معروف را حول چند محور فهرست وار می آوریم:

الف: اعتقادی

۱- ایمان به خدای متعال

۲- ایمان به پیامبران



۳-ایمان به کتب سماوی

۴-ایمان به معاد

۵-ایمان به فرشتگان

۶-ایمان به قضاء و قدر

ب:عبادی

۱-اهتمام به نماز به ویژه نماز اول وقت و نماز جماعت

۲-اهتمام و گرم نگه داشتن سنگر نماز جمعه

۳-پر کردن مساجد

۴-زکات

۵-حج و عمره

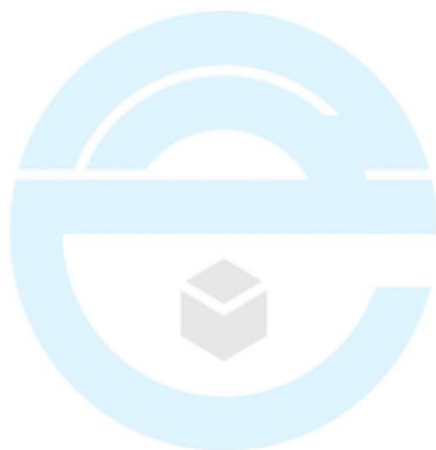
۶-اعتماد و توکل بر خدا

۷-دعا و نیایش

۸-یاد خدا در هر حال

۹-تقوی و پرهیز کاری

۱۰-ارج نهادن به قرآن و تلاوت آن



ج:اخلاقی

۱-احسان به پدر و مادر

۲-عدالت و انصاف

۳-بر خورد خوش با دیگران به ویژه در حرمین شریفین

۴-اخلاق و رفتار نیک

۵-فرو بردن خشم

۶-عفو و گذشت



۷- صداقت و راستی در گفتار و رفتار

د: خانوادگی

- ۱- ازدواج و تحکیم پیوند خانوادگی
- ۲- الفت میان اعضای خانواده
- ۳- صله رحم و سرکشی به بستگان
- ۴- تامین نفقه همسر، پدر و مادر
- ۵- تربیت صحیح و اسلامی فرزندان

ه: اقتصادی

- ۱- کار کردن برای روزی حلال
- ۲- قناعت در زندگی
- ۳- دوری از اسراف
- ۴- میانه روی در انفاق

و: اجتماعی

- ۱- تعاون بر نیکی و تقوا
- ۲- خیرخواهی برای مسلمانان
- ۳- حل مشکلات برادران و خواهران دینی
- ۴- دست‌گیری از مستمندان
- ۵- حفظ اتحاد و همبستگی
- ۶- وفای به عهد و تعهد اجتماعی



ز: سیاسی

- ۱- صبر و یردباری در برابر مشکلات انقلاب
- ۲- احترام به قوانین نظام جمهوری اسلامی
- ۳- دفاع از کیان انقلاب اسلامی
- ۴- حفظ دستاوردها و ارزش‌های انقلاب اسلامی

ح: نظامی

- ۱- جهاد و پیکار در راه خدا
- ۲- حفاظت از مرزهای اسلامی
- ۳- تقویت بنیه دفاعی
- ۴- فراگرفتن فنون نظامی و آموزش آن به دیگران

ط: فرهنگی و تربیتی

- ۱- اشاعه و گسترش فرهنگ اسلامی
- ۲- تلاش در جهت انتقال ارزش‌ها به نسل حال و آینده

ی: اداری

- ۱- برخورد حسنه با ارباب رجوع
- ۲- تسریع در حل امور مراجعه کننده گان
- ۳- دقت در حفظ بیت المال مسلمین
- ۴- به موقع آمدن و به موقع رفتن



گستره ی منکرات

پاره ای از مصادیق منکرات را نیز در چند محور بطور فهرست وار ذکر می کنیم:

الف: منکرات اعتقادی

- ۱- ترویج باطل
- ۲- کفر به اصول و فروع دین
- ۳- فروختن دین به دنیا
- ۴- پشت کردن به ارزش های اسلام

ب: منکرات اخلاقی

- ۱- دروغ گویی
- ۲- فحاشی و ناسزا گویی
- ۳- غیبت کردن
- ۴- برخورد خشن و نابجا
- ۵- حسد
- ۶- بد گمانی

ج: منکرات عبادی

- ۱- روی آوردن به منکرات و اصرار در آن
- ۲- سهل انگاری در فرایض
- ۳- شکستن حرمت احکام دین



**د: منکرات خانوادگی**

- ۱- بی احترامی به پدر و مادر
- ۲- ترویج فساد و ابتذال فرهنگی در محیط خانواده
- ۳- بجا نیوردن صله ی رحم

ه: منکرات اقتصادی

- ۱- کلاه برداری
- ۲- ریخت و پاش
- ۳- کم فروشی
- ۴- احتکار

و: منکرات اجتماعی

- ۱- ایجاد فتنه بین همسایگان و سایر مسلمانان
- ۲- ایجاد مزاحمت
- ۳- بی تفاوتی در مقابل رویداد های اجتماعی
- ۴- تبهکاری
- ۵- ایجاد فساد در زمین

ز: منکرات سیاسی

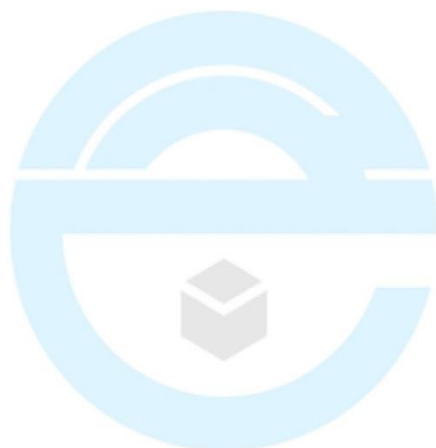
- ۱- تحت تاثیر تبلیغات سوء دشمنان
- ۲- نشر اکاذیب
- ۳- جاسوسی برای دشمنان خدا و پیامبر





ج: منکرات فرهنگی

- ۱- گرایش به فرهنگ مبتدل بیگانه
- ۲- جهل و نادانی
- ۳- معرفی الگوهای غیر اسلامی
- ۴- با آرایش های تند و زننده ظاهر شدن
- ۵- عدم رعایت پوشش اسلامی
- ۶- ایجاد مزاحمت برای نوامیس مردم
- ۷- بر زبان راندن سخنان بیهوده و منافی عفت به ویژه در اماکن عمومی



ط: منکرات اداری

- ۱- خیانت به بیت المال
- ۲- بد رفتاری با ارباب رجوع
- ۳- سرگردانی ارباب رجوع
- ۴- پارتی بازی
- ۵- رشوه خواری
- ۶- نداشتن تعهد کاری
- ۷- عدم دقت در امور محول شده و بی نظمی
- ۸- سوء استفاده از موقعیت





جلسه سیزدهم

آداب مسجد:

{خذوا زینتکم عند کل مسجد}

مساجد خانه ی خدا است که برای برگذاری نماز، تلاوت قرآن، ذکر الله، بنا گردیده اند لذا هر نوع کاری که به نحوی موجب بی حرمتی مساجد بشمار رود اکیداً ممنوع می باشد.

در شرع مقدس اسلام برای تعظیم و احترام مساجد احکام و حدود ویژه ای تعیین گردیده که اهم آن از قرار زیر می باشد:

- ۱- مساجد تمیز نگاهداری شود اشیاء بد بو همراه برده نشود بلکه باعطر و خوش بو داخل مسجد باید رفت.
- ۲- در مساجد فقط عبادت و طاعت انجام گیرد، از کسی غیبت، عیب جوئی یا ثنا و تعریف بیجا نباید باشد.
- ۳- هنگام قصد مسجد بدن ولباس باید پاک باشد. کسی که به نیت نماز وضوء گرفته و به مسجد می رود هر قدمی بر می دارد یک ثواب در نامه ی اعمالش نوشته شده و یک گناه از گناهانش آمرزیده می شود.
- ۴- نمازهای فرض در صورت امکان در مساجد ادا شود.
- ۵- هنگام دخول مسجد خشوع را در نظر گرفته و در مواقع ضرورت آهسته سخن بگوید. بیشتر وقت را با ذکر، دعا، اداء نوافل و تلاوت قرآن مجید بگذراند.
- ۶- در مسجد هر جای که گیر آمد آن را غنیمت شمرده و بنشیند، هرگز کسی را از جایش بلند نکند که این کار گناه می باشد.



۷- در مسجد که خانه ی خداست مساوات حتما باید برقرار باشد و هیچ فردی بر دیگری برتری نجوید آری هر کس جلو تر وارد مسجد گردید حق دارد جلو تر بنشیند و اشخاص بزرگ تر نباید دیگران را از جایشان بلند کرده سر جای آنان بنشینند که این کار خلاف سنت است.

۸- در مسجد نباید به کسی حرف زشتی گفته شود و نه بر کسی ظلم روا داشته شود هرگز نباید سخنی بر زبان آورده شود که دیگری از آن اذیت گردد، که این خلاف سنت است.

۹- امامت مسجد باید بر مبنای تقوا استقرار یابد. کسی را به امام بر میگزینند که از حیث علمی در سطح بالا تر و از نظر اخلاقی و آراسته تر باشد.

۱۰- خرید و فروش در مسجد صحیح نیست و نیز سوال و اعلام گمشده نباید در مسجد صورت گیرد.

۱۱- چون اذان به گوش رسد به سوی مسجد حرکت باید کرد و چون داخل مسجد شود اول پای راست را داخل باید گذاشت و درون این دعا را باید بخواند {اللهم افتح لی ابواب رحمتک} ای بار خدایا دروازه های رحمت را برایم بگشا، و با نیت اعتکاف وارد مسجد شود.

۱۲- قبل از اینکه در مسجد بنشیند دو رکعت تحیه المسجد را ادا کند و اگر وقت تنگ باشد فقط فرض را آغاز نماید و اگر جماعت آماده است در جماعت شرکت کند.

۱۳- در مسجد سرو صدا و شلوغ کاری اکیدا ممنوع میباشد و هرگز در مسجد آب دهان و بینی نیندازد و باید توجه داشت که در مسجد اصلا چیز کثیف و نجسی را نیندازد.

۱۴- در مسجد همیشه باید با وضوء باشد، خوردن، نوشیدن در مسجد اشکال ندارد. هیچکس حق ندارد اموال مسجد را به مصرف شخصی خود برساند.

۱۵- چون خواست از مسجد خارج شود پای چپ را خارج بگذارد و با این ترتیب که پای چپ را بالای کفش بگذارد و اول پای راست را در کفش داخل گرداند و این دعا را بخواند. {اللهم انی اسئلك من فضلک} بار خدایا از تو فضل ترا می جویم.

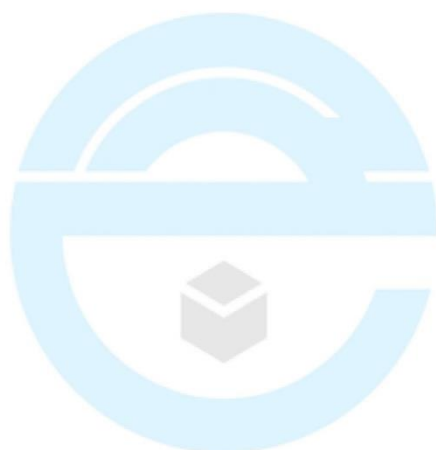
طهارت و نجاست در مسجد الحرام و مسجد النبی

لزوم طهارت مسجد الحرام و مسجد النبی (ص) با سایر مساجد و حرمت تنجیس آن با سایر مساجد فرقی ندارد ولی از آنجا که تطهیر مسجدین بویژه مسجد الحرام به شیوه خاص صورت می پذیرد، برخی از زائران نسبت به طهارت آن مکان های مقدس دچار تردید می شوند که جای این تردید نیست چرا که شرعا جایی که یقین به





نجس شدن آن نباشد پاک است و پرهیز از آن واجب نیست، افزون بر آنکه به شهادت برخی از اهل اطلاع شیوه تطهیر نیز صحیح می باشد و مشکلی ندارد.



کتابخانه دیجیتال
مدیریت اهل سنت





جلسه چهاردهم

آداب تلاوت قرآن مجید:

رعایت امور زیر در هنگام تلاوت کلام الله مجید لازم است.

- ۱- قبل از تلاوت باید در طهارت جسم و لباس کوشید.
- ۲- محل و جای نشستن و تلاوت قرآن باید پاک و تمیز باشد و ملاحظه باید گردد که اطراف آن مکان نیز پاک باشد.
- ۳- تلاوت قرآن مجید باید با وضوء باشد و حتی الامکان رو به قبله نشسته تلاوت کند. (در صورت دست زدن به قرآن وضوء واجب می باشد).
- ۴- با در نظر گرفتن فضائل عظیم قرآن مجید دقت و توجه کامل در معانی آن را داشته باشد
- ۵- نباید قرآن مجید برای هر چه زود تر ختم کردن آن خوانده شود. بلکه روی مطالب و مضامین قرآن کریم توجه باید نمود و کسی که معنی نمی داند دقت کند که درست و صحیح و برابری با قوانین و اسلوب عربی تلاوت کند و کسی که معانی میدانند هر جا که آیه خوف آمد بترسد و از خدا پناه بخواند و هر جا که آیه رحمت آمد احساس خشنودی کرده از خداوند طلب رحمت و بخشش کند.
- ۶- قبل از آغاز تلاوت. اعوذ بالله ... بسم الله ... بخوانید.
- ۷- هر گاه آیه سجده ی تلاوت را بخواند الله اکبر گفته بنیت سجده تلاوت قرآن مجید سجده بجای آورد.
- ۸- با آواز بلند تلاوت کردن اگر توام با ریا باشد اصلا جائز نیست، و در محلی که شخص مشغول خواندن نماز و یا شغل دیگر باشد با صدای بلند نباید قرآن تلاوت شود.
- ۹- قرار دادن قرآن مجید بالای چیزی و یا بالای دستها در موقع تلاوت جائز می باشد.

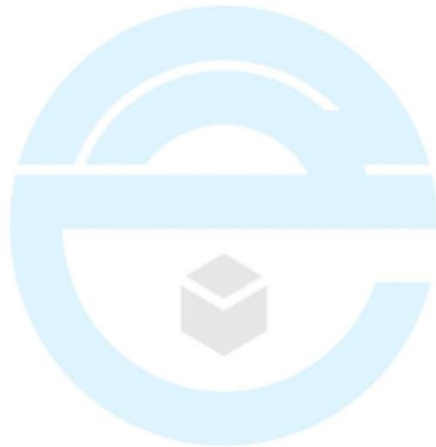


۱۰- در موقع تلاوت کردن مناسب نیست انسان بی توجه باشد و به این سو و آن سو نگاه کند یا حرف بزند یا غیره...

۱۱- اگر در طول تلاوت احتیاج به حرف زدن پیدا کند ابتداء باید قرآن مجید را ببندد و بعد از اتمام سخن مجدداً تلاوت را با اعوذ بالله ... و بسم الله ... آغاز نماید.

۱۲- خواندن قرآن از روی بهتر و دارای ثواب بیشتر میباشد زیرا در این صورت چشم ها نیز مشغول عبادت می باشند، خواندن قرآن از روی هفت برابر از خواندن بر حفظ اجر و ثواب دارد.

۱۳- سعی باید کرد که قرآن مجید را با صدای دلنشین و زیبا بخواند زیرا هرچه با صدای بهتر و نیکوتر قرآن خوانده شود به همان اندازه اجر و پاداش بیشتر گردد.



کتابخانه دیجیتال
مدیریت اهل سنت



جلسه پانزدهم

آداب غذا خوردن:

نیت در اعمال اثر بسزائی دارد، از نیت کلیه اعمال، عبادت محسوب میگردند لذا کسی که می خواهد طعام و غذا بخورد چنین نیت کند که من این طعام را می خورم تا توفیق طاعت و عبادت خدا را در وجودم میسر سازم.

قبل از غذا ملاحظه چند مورد لازم است :

- ۱- نیت
- ۲- خوردن و نوشیدن از کسب حلال باشد .
- ۳- بیش از نیاز طعام نخورد.
- ۴- در حالت تکیه غذا نخورد زیرا این حالت متکبرین است و در حالت تکیه غذا خوردن مکروه می باشد.
- ۵- بهترین طرز نشستن این است که هنگام غذا خوردن زانوی پای راست را بلند کرده بر پای چپ بنشینند یا دو زانو چون حالت تحیات بنشینند.
- ۶- تا یک سوم شکم غذا بخورد و از خوردن دست بکشد.
- ۷- هر زمانی گرسنه شد طعام میل نماید و بدون گرسنگی نباید طعام بخورد که بدون گرسنگی دست به طعام بردن کراهت دارد.
- ۸- غذا هر چه بود ایراد نگیرد خواست بخورد نخواست نخورد.
- ۹- بهتر است همه با هم در یک ظرف غذا میل نمایند زیرا در این صورت برکت بیشتر می گردد.





۱۰- سر سفره تلاش نکند اشیاء بهتر را به خود اختصاص دهد .

۱۱- اگر گرسنگی فشار آورد قبل از نماز غذا میل نماید این در صورتی است که خطر فوت اصل نماز نباشد.

۱۲- در ظروف طلا و نقره نباید غذا میل نمود.

آداب غذا خوردن دسته جمعی

۱- اگر کسی همراه شما غذا می خورد و از نظر علم، تقوی، زهد، ... بالا تر باشد اجازه دهید تا او آغاز به خوردن نماید و اگر شما دارای صفات برتری هستید شما شروع کنید.

۲- در تاریکی غذا میل نشود. و حین غذا خوردن سخنان خوب و نیکو بهتر است.

۳- در هنگام غذا خوردن غذای بیشتر و بهتر را به همراه خود تعارف کن و اگر متوجه شدی که او تعارف می کند تو هم تا سه مرتبه تعارف کن بیش از این سه مرتبه تعارف صحیح نیست البته کمال دقت را نموده که همراه یا مهمان گرسنه نماند.

۴- سعی شود در هنگام غذا همراه جهت تعارف به شما گرسنه نماند و شما نیز طبق عادت معمول غذا میل کنید و به خاطر دید مردم و ریاء کاری کمتر از معمول نخورید و اگر به خاطر همراهان بیش از معمول خوردید اشکالی ندارد .

۵- هنگام غذا خوردن نباید چشم به دست و دهان همراهان دوخت آری اگر شما از برتری بیشتر برخوردار هستید سعی کنید پیش از دیگران دست از غذا نکشید و اگر نتوانستید میل کنید آهسته میل کنید تا همراه با دیگران پیش بروی البته اگر چنین کاری برایتان مشکل باشد با عرض معذرت می توانید جلو تر دست از غذا بکشید تا دیگران احساس شرمندگی نکنند.

۶- نباید دست را در ظرف غذا پاک کرد و نباید در حین غذا خوردن دهان را روی ظرف غذا قرار داد و همچنین لقمه ی نصف خورده را نباید دوباره داخل ظرف غذا قرار داد.



آداب زمان غذا خوردن

- ۱- قبل از دست زدن به طعام {بسم الله و علی برکت الله} گوید.
- ۲- از طرف راست ظرف طعام تناول کند، آغاز با اندکی نمک و اختتام نیز با اندکی نمک باشد.
- ۳- و اگر بسم الله گفتن در آغاز فراموش شده بود، هر جا که یادش آمد بسم الله اوله و آخره گوید.
- ۴- با دست راست طعام بخورد نه با چپ زیرا شیطان با دست چپ طعام می خورد (مسلم).
- ۵- از وسط غذا بر ندارد و نخورد زیرا وسط غذا محل نزول رحمت و برکت است (ترمذی).
- ۶- لقمه ها را کوچک بردارد و لقمه را خوب بجود و بعد از آن بلعد و تا زمانی که لقمه را خوب نجویده نبعد و تا زمانی که لقمه ی اولی را نبلعیده دومی را در دهان قرار ندهد.
- ۷- هر کس جلوی روی خود طعام برداشته تناول کند. اگر میوه باشد لازم نیست از جلوی خود بردارد بلکه هر کدام را خواست حسب دلخواه خود بردارد.
- ۸- چون طعام متفاوت باشد هر کس می تواند با دلخواه خود بر داشته، بخورد.
- ۹- چون مشغول خوردن باشد کفش را از پاهایش بیرون آورد تا پاها راحت باشند.
- ۱۰- چون شتران نباید آب را با یک نفس نوشند با سه نفس آب باید نوشیده شود.
- ۱۱- با آغاز نوشیدن آب بسم الله باید گفت و چون نفس کشید الحمد الله گوید.
- ۱۲- کسی که به دیگران آب مینوشاند خودش در آخر آب بنوشد (مسلم).
- ۱۳- چون کسی گرسنه باشد نباید شرم کند و از غذا خوردن انکار ورزد رسول خدا (ص) فرموده اند: گرسنگی و دروغ را جمع نکنید.
- ۱۴- بهتر است بر زمین نشسته خوردن را آغاز نماید روی میز و صندلی بهتر نیست همچنین ایستاده غذا خوردن کار درستی نیست و در حالت رفت و آمد خوردن خلاف سنت بوده و مشابهت با یهود و نصاری می باشد.
- ۱۵- در حین غذا خوردن نباید به دست و دهان دیگران نگریست.
- ۱۶- هنگام غذا خوردن از شوخی و بزبان آوردن حرف های ناگوار اجتناب باید ورزید.
- ۱۷- در هنگام طعام از یاد آوری حوادث غم انگیز پرهیز باید کرد زیرا موجب ناراحتی افراد و تکدر خاطر خواهد گردید.





- ۱۸- پس از طعام نباید دست را با نان پاک کرد زیرا این کار بی حرمتی به رزق خواهد بود.
- ۱۹- قرص نان را نباید از وسط خورد.
- ۲۰- اشیاء نا خوردنی را بالای نان قرار ندهد.
- ۲۱- چون لقمه ای از دست افتاد بهتر است آن را بردارد و بخورد.
- ۲۲- لیسیدن انگشتان سنت است.
- ۲۳- غذای گرم را نباید با فوت کردن سرد نمود بلکه صبر کرد تا غذا سرد گردد و در ظرف غذا نباید نفس کشید (ترمذی)
- ۲۴- هسته و تخم میوه را نباید در ظرف میوه قرار داد و نیز نباید در دست نگاهدارد بلکه در ظرف جدا گانه ای آن را قرار دهد و نباید میان غذا آب نوشید.
- ۲۵- میوه سالم و تمیز شده را مورد استفاده قرار دهد لذا خوردن خورما و امثال آن توام با کرم و سوپها صحیح و جائز نیست.
- ۲۶- اگر چنانچه در مایعات مگسی افتاد آن را یک غوطه داده بیرون بیندازد و بعد از آن مایع را میل نماید. رسول خدا(ص) فرمودند: در یک بال مگس سم و در بال دیگر آن دواء وجود دارد لذا این تدبیر سم را خنثی خواهد کرد، البته اگر دلش نخواست مایع مگس افتاده در آن را نخورد.
- ۲۷- اگر دسته جمعی غذا می خورند هر کس باید دیگری را اکرام کند به این صورت که اشیاء بهتر یا سهم بیشتر را به او اختصاص دهد، و از زیاد خوردن بپرهیزد زیرا پرخوری موجب بیماری های زیادی می شود.
- ۲۸- کسی که سیر، پیاز و لیمو، که بوی بدی دارند خورده باشد از مسجد و مجلس دوری گزیند و نماز را در منزل بخواند یا دهان را خوب تمیز و خوش بو بکند.
- ۲۹- به طرز متکبران غذا میل نکنند مثلاً تکیه زده، ایستاده، در حال رفت و آمد و
- ۳۰- قبل از جمع شدن سفره نباید بلند شود.
- ۳۱- در حین غذا خوردن از کلیه حرکات و کلماتی که موجب نگرانی اطرافیان می شود اکیدا اجتناب باید نمود.
- ۳۲- کسی که شیر می نوشد این دعا را بخواند {اللهم بارک لنا فیه و زدنا فیه}





جلسه شانزدهم

آداب بعد از طعام:

- ۱- بعد از غذا این دعا را باید خواند. { الحمد لله الذی اطعمنا و سقانا و جعلنا من المسلمین }
- ۲- قبل از شستو شوی دست ها با آب باید آن را لیسید و بعد از شستو شو با حوله تمیز کرد.
- ۳- تکه ها ریز نان را نباید دور ریخت بلکه باید سعی شود تا خورده شوند، زیرا این کار موجب برکت در رزق و حسن اخلاق فرزندان می گردد.
- ۴- ظرف را بعد از اتمام غذا باید لیسید و پاک کرد، در حدیث آمده است که ظرف با این کار در حق او دعای خیر می کند.
- ۵- بعد از غذا دندان ها را تخلیل و پاک کرد.
- ۶- لیسیدن ظرف غذا ثواب دارد.
- ۷- چون روزی حلال باشد شکر باید کرد، و اگر شک داشت حلال است یا خیر باید ناراحت باشد.
- ۸- بعد از غذا ابتدا دست و بعد دهان را باید تمیز کرد.
- ۹- و اگر در خانه دیگری غذا خورد این دعا را بخواند: { اللهم بارک لهم فیما رزقتهم و اغفر لهم و ارحمهم } یا این دعا را بخواند { اللهم اطعم من اطعمنی و اسق من اسقانی } . بار خدایا در آنچه به آنان روزی داده ای برکت عنایت فرما و آنان را ببخش و بر آنان رحم کن، بار خدایا طعام بده به کسی که مرا طعام داد و آب بنوشان کسی که مرا آب نوشانید.





جلسه هفدهم

آداب نوشیدن آب زمزم:

- ۱- با بسم الله آن را باید نوشید.
- ۲- ایستاده نوشیده شود.
- ۳- رو به قبله باشد.
- ۴- این دعا را بخواند. {اللهم انی اسئلك علما نافعاً ورزقا وسعا و شفاء من کل داء}
- ۵- در نوشیدن آب زمزم سعی شود که حداکثر آن را بنوشد.
- ۶- آن را به سه نفس باید نوشید.
- ۷- بعد از نوشیدن آب زمزم شکر خدایی باید بجا آورد.
- ۸- باید قدری از آب زمزم بر سر و صورت ریخت.



نکته‌ی مهم (ویژه‌خواهران)

در رابطه با یکی از مسائل مبتلابه مهم یعنی اگر زن قبل از انجام طواف رکن، حیض شود چهار حالت وجود دارد.

حالت اول: قطع خون حیض به مدت یک روز به واسطه استفاده از دارو و سپس انجام غسل و طواف و بعد از طواف دوباره خون جاری شود.

حالت دوم: قطع شدن خون به مدت یک روز بدون استفاده از دارو و پس از آن انجام غسل و طواف، سپس بازگشت به حالت اول (حیض).

حالت سوم: طواف کردن قبل از قطع شدن خون و قبل از غسل کردن.

حالت چهارم: بازگشت از سفر حج بدون انجام طواف.

برای حل این مشکل و پاسخ به این مسئله باید از یکی از مذاهب اسلامی تقلید کرد.

بر طبق مذهب امام شافعی طواف در حالت اول و دوم صحیح است زیرا در مذهب شافعی نقاء (زمانی که در حین قائدگی و حیض خون جاری نمی‌شود) به منزله پاکیزگی است. جمعی از علمای بزرگ نیز از این قول امام شافعی تبعیت کرده‌اند در مذهب مالکی نیز چون نقاء در زمان تقطع بمنزله پاکیزگی است طواف آن‌ها صحیح است و در مذهب حنفی نیز چون ندانستن حدث و نجس برای طواف شرط نیست این طواف صحیح است با اینکه عمل حرامی انجام گرفته است.

برای حالت سوم، طواف آن‌ها در مذهب حنفی و در یکی از روایات مذهب حنبلی صحیح است اما در این شرایط ذبح یک شتر بر شخص لازم است و با وارد شدنش به مسجد الحرام مرتکب گناه شده است. پس ما به زن حائض می‌گوییم اگر در حال حیض هستید حلال نیست وارد مسجد شوید اما اگر وارد شدید و طواف انجام دادید این طواف درست است و جای طواف فرض را می‌گیرد.

در حالت چهارم اگر بدون انجام طواف به وطن خود برگشتند در این باره علمای مصری از امام ابوحنیفه نقل کرده‌اند؛ کسی که طواف القدوم و سعی بین صفا و مروه را انجام داده اما به دلیل ناآگاهی یا فراموشی طواف الافاضه را انجام نداده در این حالت طواف القدوم انجام شده جای طواف الافاضه ترک شده را می‌گیرد اما ذبح یک شتر بر آن شخص لازم می‌شود.



چند نکته لازم برای زائران خانه خدا

- ۱- زائرین محترم باید قانون و مقررات عربستان سعودی را رعایت کنند.
- ۲- لازم است زائرین حرمین الشریفین فرست را غنیمت شمرده و اوقات گران بهاء رادر بازار و فروشگاه ها تلف نکنند.
- ۳- اشیاء و کالاهای موجود در بازارهای مکه و مدینه اغلب از چین وارد می شود نباید زرق و برق این اجناس مارا از هدف اصلی غافل کند.
- ۴- سعی شود هنگام اقامه ی اذان و نماز جماعت از رفتن به بازار اجتناب کنید.
- ۵- حتی الامکان نشریات اهدائی را با خود نیاورید.
- ۶- در مسجد النبی و مسجد الحرام و همه ی مساجد جلو نماز گزاران تردد نکنیم.
- ۷- زائرین محترم دقت کنند که به اشیاء گم شده در حرمین الشریفین دست نزنند.
- ۸- خرید هدایا و سوغات در حد معقول از توصیه های پیامبر اسلام (ص) می باشد.
- ۹- بهترین تبرک اهدائی آب زمزم است.
- ۱۰- حجاج بیت الله الحرام جدا از اسراف در مهمانی های رفت و برگشت خوداری کنند.
- ۱۱- خواهشمند است همه ی زائرین به هشدار های مسئولین مواد مخدر کشورمان در فرودگاه مبدأ توجه کامل کنند.
- ۱۲- توصیه های بهداشتی از پزشکان کاروان مد نظر قرار گیرد.
- ۱۳- گوش دادن به توصیه های روحانیون و مدیران کاروان ها در اولویت امور قرار دهید.
- ۱۴- در حد توان همه ی ما باید برای مملکت خودمان از هر نظر سفیر خوبی باشیم.

